



خطابه فیصل

هشدار به عادی سازی روابط با اسرائیل



تقلیل مستمر تئاتر

تبدیل اداره کل هنرهای نمایشی به یک دفتر



دشمن غرب

فردید چگونه ضدیت با غرب را نهادینه کرد؟



دعوا بر سر یک اولویت

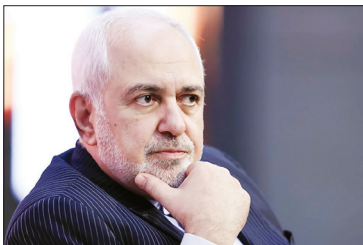
اظهارات مهدی یونسی، استاندار مازندران بر تقدم رسیدگی به وضعیت معیشت نسبت به اجرای قانون حجاب با واکنش های شدیدی از سوی اصولگرایان مواجه شد



گفتار روز

زمان تغییر پارادایم

محمدجواد ظریف با انتشار یادداشتی در نشریه «فارن پالیسی» ضمن تشریح «پارادایم فرصت و امکان»، پیشنهاد ایجاد یک شبکه منطقه ای برای عدم اشاعه و همکاری هسته ای صلح آمیز (طرح مناره) که احتمالاً همراه با یک توافق عدم تجاوز بین ایران و آمریکا باشد را ارائه داد



در یادداشت وزیر امور خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران آمده است: غرب آسیا در یک نقطه عطف خطرناک قرار دارد. فجایی که در غزه در جریان است، تجاوز اخیر علیه ایران که با مقاومت مردم و نیروهای مسلح کشورمان دفع شد و تداوم بی ثبات سازی سوریه به وضوح نشان می دهد که برای بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی و حامیان جهانی اش، تنها تهدید به اصطلاح وجودی در واقع «صلح و آرامش» است.

این دوگانه سازی برای اسرائیل - آپارتاید داخلی و درگیری منطقه ای دائمی - بنیان های نظم منطقه ای و جهانی را تهدید می کند. هرچند دفاع قدرتمند ضروری است اما راهحلی پایدار مستلزم یک ابتکار عمل جسورانه دیپلماتیک و یک تغییر تاریخی برای ایران و منطقه است: گذار از پارادایم عمیقاً ریشه دار تهدید به پارادایم توانمند ساز امکان. این گذار شامل موارد زیر است: گسترش روابط با همسایگان و کشورهای جنوب جهانی، ایجاد یک مشارکت منطقه ای جدید در میان مسلمانان غرب آسیا و از سرگیری گفت و گو با اروپا و ایالات متحده. مدت هاست که کشورهای منطقه در چرخه های تعارض و فرصت های از دست رفته گرفتار شده اند. ساختن آینده ای متفاوت نیازمند بصیرت، شجاعت و تصمیمی آگاهانه برای گسست از جبرگرایی تاریخی است. برای ایران، این تغییر از درون آغاز می شود و به محیط پیرامونی اش تابش می یابد.

ایران با اثبات اینکه طعمه ای آسان نیست و در برابر دو متجاوز مسلح به سلاح هسته ای می تواند مقاومت کند، این ظرفیت را دارد که این انتقال حیاتی را از رویکردی متمرکز بر مقابله با تهدیدات دائمی به رویکردی معطوف به بهره برداری از فرصت ها انجام دهد. این گذار نه تنها امکان پذیر است بلکه عمیقاً به نفع ایران، منطقه و جامعه جهانی است. تحقق آن مستلزم عزم راسخ داخلی و عدم مداخله خارجی است؛ انگیزه عدم مداخله نه لزوماً اخلاقیات یا حقوق بین الملل بلکه صرفاً منافع ملی است. بزرگترین امکان ایران در مردمش نهفته است. هزاره های تاریخ، گواه تاب آوری خارق العاده آنان است. متجاوزان خاک ایران را اشغال کرده اند اما همواره در فرهنگ پایدار ایران جذب شده و هرگز نتوانسته اند ارزش های خود را بر مردم ایران تحمیل کنند. این تاب آوری عامل تعیین کننده ای است که دشمنان ظاهراً برتر را ناکام کرده است؛ از تجاوز عراق در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) (با حمایت قدرت های جهانی) تا شرارت اخیر نتانیاهو و دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا. به همین دلیل است که چهار دهه «فشار حداکثری» و «تحریم های فلج کننده» نتوانسته به اهداف خود دست یابد. به رغم محدودیت های بی سابقه جهانی - از قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد گرفته تا محدودیت های صادراتی که عمداً برای جلوگیری از پیشرفت فناوری ایران طراحی شده اند - مردم ایران به صورت بومی پیشرفت های علمی و فناوری، به ویژه در حوزه دفاعی و انرژی هسته ای را به دست آورده اند. بنابراین، مردم ایران سزاورا محدود سازی نیستند بلکه برترین دارایی کشور هستند که باید توانمند شوند، پرورش یابند و امکان شکوفایی به آنان داده شود.

ادامه در صفحه ۲

ناکامی در آلاسکا

دیدار دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در آلاسکا بدون هیچ نتیجه ای درباره جنگ اوکراین پایان یافت و اتحادیه اروپا را نگران پیامدهای این ملاقات کرد



فرشاد گلزاری

گروه بین الملل



پس از تبلیغات فراوان، اظهار نظرها و گمانه زنی های بی شمار بالاخره دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین، روسای جمهور ایالات متحده و روسیه در پایگاه نظامی المندورف-ریچاردسون واقع در شهر آنکوراج ایالت آلاسکا با یکدیگر دیدار کردند؛ دیداری که حواشی بسیار اما خروجی نامفهوم و حتی

«هیچ» را رقم زد. این دیدار بدون شک از چند جهت اهمیت دارد. نخست اینکه رویارویی ترامپ و پوتین برای اولین بار در دولت دوم وی صورت می گیرد و دوم آنکه آخرین دیدار دو طرف به جولای ۲۰۱۸ (تیرماه ۱۳۹۷) در هلسینکی فنلاند بازمی گردد. اما سومین نکته که به نوعی باید آن را اصلی ترین و مهم ترین موضوع دانست، این است که این دیدار از ابتدای به راه افتادن جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ (اسفند ۱۴۰۰) نخستین مواجهه روسای جمهور آمریکا و روسیه به حساب می آید. تا پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید برای دومین بار، بسیاری بر این عقیده بودند که بایدن با پوتین در مورد جنگ اوکراین دیدار خواهد کرد اما در نهایت این اتفاق رخ نداد و ترامپ میزبان وی شد.

ادامه در صفحه ۳





سال هشتم شماره ۲۰۴۱
یک‌شنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴



دیدگاه: یادداشت سیاسی

برای نجات ملی

گام نخست تحقق توسعه، ثبات و آینده‌ای امیدبخش، درک ضرورت بازسازی رابطه دولت و ملت است



فرزاد صادقی‌مقدم
نایبرئیس سازمان جوانان
حزب کارگران سازندگی ایران

در شرایطی که کشور با انبوهی از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو است، بازتعریف رابطه دولت و ملت دیگر یک پیشنهاد روشنفکرانه یا یک خواست دانشگاهی نیست بلکه ضرورتی برای بقاء و توسعه پایدار است. شکافی که امروز میان حاکمیت و جامعه شکل گرفته اگر ترمیم نشود، می‌تواند به آسیب‌هایی عمیق‌تر در بنیان‌های مشروعیت و انسجام ملی منجر شود. در ایران امروز، نشانه‌های آشکار یک گسست فزاینده میان دولت و ملت به چشم می‌خورد. کاهش مشارکت سیاسی، رویگردانی از انتخابات، مهاجرت نخبگان، گسترش گفتمان‌های اعتراضی در فضای اجتماعی و حتی افزایش بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای رسمی، همگی گواهی بر این واقعیت هستند که رابطه سنتی میان حاکمیت و مردم، دیگر پاسخگوی نیازهای جامعه امروز نیست.

در ساختار هر نظام سیاسی پایدار، اعتماد عمومی، مشارکت فعال و احساس تعلق شهروندی سه ستون اساسی هستند. فقدان این‌ مؤلفه‌ها، دولت را به نهادهای منفک از جامعه بدل می‌سازد که نه‌تنها توان تصمیم‌گیری مؤثر ندارد بلکه در بزنگاه‌های بحرانی نیز فاقد پشتوانه اجتماعی لازم برای عبور از بحران خواهد بود. استمرار وضعیت موجود به معنای تحلیل رفتن مشروعیت سیاسی، تضعیف سرمایه اجتماعی و فرسایش امید عمومی است. جامعه‌ای که احساس کند در سرنوشت خود سهمی ندارد یا صدای او شنیده نمی‌شود، ناگزیر به سمت واکنش‌های رادیکال، خروج از مدار رسمی، یا شکل‌دهی به کنش‌های اعتراضی غیرنهادی حرکت می‌کند. در چنین بستری، امنیت نیز از مسیر مشارکت و رضایت عمومی تأمین نمی‌شود بلکه نیازمند هزینه‌های فزاینده کنترل و نظارت خواهد شد که خود عامل تشدید نارضایتی‌هاست. راه برون‌رفت از این وضعیت، نه در بازتولید الگوهای گذشته بلکه در تحول در سازوکارهای سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی است.

مردم ایران، در بزنگاه‌های تاریخی مختلف، نشان داده‌اند که از سطح بالای بلوغ سیاسی برخوردارند. نادیده گرفتن این بلوغ و استمرار نگاه قیم‌بآیانه به جامعه، بیش از آنکه نشانه اقتدار باشد، نشانه انجماد و انزوا در سطح حاکمیت است. بازسازی رابطه دولت و ملت باید با پذیرش یک واقعیت آغاز شود؛ مردم، صاحبان واقعی قدرت‌اند و نهادهای سیاسی در خدمت تحقق خواسته‌های آنها هستند.

این بازسازی مستلزم عبور از سطح شعارها و ورود به حوزه‌های عملیاتی است. اقداماتی چون؛ اصلاح قوانین انتخاباتی برای تضمین رقابت واقعی و مشارکت معنادار، گشایش در فضای رسانه‌ای و عمومی برای بیان آزاد و مسئولانه دیدگاه‌ها، پایان دادن به امنیتی‌سازی مطالبات اجتماعی و صنفی و پذیرش نظارت عمومی و نهادهی‌نه‌سازی پاسخ‌گویی در ساختار قدرت. در کنار این اصلاحات، نیاز به بازسازی اعتماد عمومی از مسیر شفافیت، پاسخ‌گویی و مقابله با فساد نیز ضروری است. جامعه‌ای که احساس کند، شایسته‌سالاری جای رانت‌سالاری را گرفته و نهادهای قدرت مسئولیت‌پذیر هستند با امید و مشارکت بیشتری در فرآیندهای سیاسی حضور خواهد یافت.

تاریخ معاصر ایران سرشار از فرصت‌های از دست‌رفته برای آشتی دولت و ملت است. اما هنوز نیز می‌توان این چرخه را متوقف کرد؛ اگر اراده‌ای واقعی برای شنیدن و درک صدای مردم در سطح حاکمیت شکل گیرد. تغییر از بالا، پیش‌شرط تغییر از پایین است. راه نجات کشور، نه در انکار بحران‌ها یا سرکوب مطالبات بلکه در به رسمیت شناختن آنها و مشارکت دادن جامعه در فرآیند تصمیم‌سازی است. در نهایت بازسازی رابطه دولت و ملت، نه‌تنها ضرورتی برای حل بحران‌های فعلی بلکه پیش‌شرطی برای رسیدن به توسعه، ثبات و آینده‌ای امیدبخش است و این مسیر، بی‌تردید از تغییر واقعی و ساختاری آغاز می‌شود.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

دعوا بر سر یک اولویت!

اظهارات مهدی یونسی، استاندار مازندران بر تقدم رسیدگی به وضعیت معیشت نسبت به اجرای قانون حجاب با واکنش‌های شدیدی از سوی اصولگرایان مواجه شد



مازندران تاکید کرد که پیروی از دین و حجاب را کنار نخواهد گذاشت اما معتقد است تا وقتی وضعیت معیشتی مردم تثبیت نشود، مطرح کردن موضوعات فرهنگی با اجبار مناسب نیست. او همچنین خاطر‌نشان کرد که حفظ «امنیت اخلاقی جامعه» از جمله وظایف حاکمیت است و «حجاب و عفاف» نیز بخشی از همین امنیت اخلاقی‌اند اما پرداختن به آن نیز باید در چارچوب مسائل اولویت‌دار انجام گیرد.

آنچه از اجرای قانون عفاف و حجاب می‌دانیم

قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» در آذر سال گذشته به تصویب رسید اما اجرای آن با دستور شورای عالی امنیت ملی متوقف شد. بعدها محمذباقر قالیباف، رئیس مجلس، اعلام کرد که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به صورت رسمی - پیرو دستور رهبر انقلاب- به مجلس ابلاغ کرده که «فعلاً این قانون (عفاف و حجاب) ابلاغ نشود».

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری نیز در نشست خود با مدیران رسانه‌ها در ۱۹ مردادماه از ضرورت برخورد مسالمت‌آمیز با مساله حجاب سخن گفت. او تاکید کرد: «موضوع حجاب با زور حل و فصل نمی‌شود». پزشکیان در آن دیدار تاکید کرد که: «من معتقد به حجاب هستم اما نمی‌شود با زور چادر سر بانوان کرد».

پزشکیان اضافه کرد که گام اول در حل مساله حجاب، وظیفه «مدرسه و مسجد» و فرهنگ‌سازی توسط آنان است نه اجبار در خیابان. او تصریح کرد «با موعظه حسنه و بهترین شیوه ممکن» باید به این موضوع پرداخت. چرا که «مشکل اصلی امروز جامعه، بی‌عدالتی، فقر و تورم است». در نهایت اینکه؛ حامیان حجاب اجباری تاکید می‌کنند که احکام دینی نباید مسکوت بماند و هر فردی در هر شرایطی موظف به پایبندی و اجرای آن است. از سوی دیگر، اما رئیس‌جمهور و برخی دیگر از مقامات معتقدند که اولویت فعلی کشور باید حل مشکلات معیشتی باشد تا مردم در وضعیتی بهتر و با آگاهی بیشتر، مسائل دینی را بیزنند. در نتیجه، بحث اهمیت «زمان‌شناسی» در تصمیمات اجتماعی را نشان می‌دهد که حجاب نه نقض ارزش‌های انقلاب است و نه مسأله‌ای که بتوان درباره آن دستوری و دفعتی عمل کرد بلکه باید همراه با اهتمام به رفاه عمومی و به موازات سایر مطالبات جامعه مورد پیگیری قرار گیرد.

معیشت» می‌داند اما با بی‌کفایتی خود، معیشت مردم را به وضع اسفباری کشانده‌اند.

روز جمعه گذشته نیز حجت‌الاسلام علی سعیدی، امام‌جمعه وقت شاهرود در خطبه‌های نماز جمعه این شهرستان- بدون اشاره به نام یونسی- گفت: «چه استناداری است که می‌گوید، من حجاب را قبول ندارم؟ این حکومت، جمهوری اسلامی است. اگر من جای آن نگهبان استناداری بودم، اجازه ورود این فرد به استناداری را نمی‌دادم». در حالی که تسنیم با عنوان رئیس دفتر عقیدتی- سیاسی فرمانده کل قوا از او نام برد، افزود: «یک استنادار برمی‌گردد و می‌گوید، من حجاب را قبول ندارم. غلط می‌کنی! قبول نداری. تو چه کاره‌ای که حجاب را قبول داشته باشی یا نداشته باشی؟ این حکم الله است. کسانی آمده‌اند در جایگاه قوه مجریه نشسته‌اند که اصلاً اصول و احکام خدا را قبول ندارند و آن را مسخره می‌کنند!» وی با استناد به حدیث معروف «التاس علی دین ملوکهم» افزود: آنقدر مردم به فرمانروایانشان شبیه می‌شوند که به پدر و مادرشان شباهت ندارند. بنابراین در رفتار و هنجارهای مردم، فرماندار نقش دارد، استنادار نقش دارد، رئیس‌جمهور نقش دارد».

توضیحات و تکذیبیه استاندار مازندران

با افزایش انتقادات، مهدی یونسی، استاندار مازندران مجبور به توضیح شد. او تاکید کرد که منظورش «لایحه عفاف و حجاب» بوده نه مخالفت با حجاب و در بیانیه‌ای که از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی استناداری مازندران منتشر شد، استنادار گفت که «اجرای لایحه عفاف و حجاب در شرایطی که مردم با مشکلات معیشتی و تورم دست‌وپنجه نرم می‌کنند باید با ظرافت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد». او توضیح داد که سخنانش در مراسم روز خبرنگار کمی دچار «سوء برداشت» شد و آنچه گفته، ضرورت زمان‌شناسی برای اجرای قانون جدید حمایت از خانواده (عفاف و حجاب) بوده است، نه رد اصل حجاب. یونسی در این توضیحات بار دیگر به پایبندی خود بر ارزش‌های اسلامی تاکید کرد و پرسید: «مگر می‌شود در جامعه اسلامی به شئونات دینی بی‌تفاوت بود؟»

او اما یادآور شد که امروز «مساله اصلی مردم، مساله معیشت و تورم است» و همین موضوع انتظار عمومی است که «عمده‌اhtام و عزم خود را برای مساله اصلی بگذارند». به بیان دیگر استنادار

همزمان فرصت‌های سرمایه‌گذاری بی‌ظنیری برای بخش خصوصی در ایالات متحده و سایر کشورها ایجاد خواهد کرد.

شاید به دلیل سرخوردگی ایران از تجربیات گذشته، سومین رکن تغییر پارادایم، یعنی دیپلماسی جهانی، چالش‌برانگیزترین باشد. با این وجود، من به‌طور قاطع معتقدم که ایران و جامعه جهانی منافع وجودی مشترکی در پشت سر گذاشتن این تجربیات و ساختن آینده‌ای متفاوت دارند. ایران طی دهها سهم قابل‌توجهی در ثبات جهانی داشته است. به‌عنوان عضو مؤسس ملل متحد، بانی ابتکارات برجسته‌ای بوده است: پیشنهاد سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه، ابتکار «گفت‌وگوی تمدن‌ها» در سال ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵).

متأسفانه، قدرت‌های بزرگ جهان همواره این ابتکارات نیک‌اندیشانه ایرانی را ناکام کرده‌اند.

الگوی تاریخی آشکار است: واکنش تهاجمی غرب به ملی‌سازی نفت ایران در سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱) که به کودتای ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) انجامید، حمایت آن از تجاوز صدام حسین علیه ایران در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) اقداماتش که امکان داد، اسرئیل صاحب صدها کلاhek هسته‌ای شود، برجسب زدن به ایران به‌عنوان بخشی از «محور شرارت» در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) به رغم همکاری ایران پس از ۱۱ سپتامبر و کارزار بی‌امان دروغ‌پرداز علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران. عجیب‌تر آنکه، این یورش توسط اسرائیل پیگیری شده که از اعضای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) خودداری کرده و به داشتن زرادخانه بزرگ هسته‌ای نامشروع معروف است.

سرگذشت برجام نماد وعده‌های تحقق‌نیافته دیپلماسی است. این توافق در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) در سراسر جهان به عنوان پیروزی دیپلماتیک مورد تحسین قرار گرفت اما تصمیم ترامپ برای خروج از توافق سه سال بعد به‌طور عمیقی اعتقاد به دیپلماسی را در داخل ایران خدشه‌دار کرد. فراتر از تحریم‌های خردکننده، اقدام اخیر اروپا برای فعال‌سازی سازوکار حل اختلاف برجام در میانه حملات رژیم صهیونیستی به تأسیسات ایران به‌شدت ریاکارانه است.

اروپا به‌طور سیستماتیک به مدت ۷ سال از انجام تعهدات خود در چارچوب برجام و قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد قصور کرد. معامله اصلی- عادی‌سازی روابط اقتصادی در ازای پایبندی تأیید شده هسته‌ای- زمانی درهم شکست که ایالات متحده از برجام خارج شد و ناتوانی و بی‌ای‌رغبتی اروپا به اجرای تعهداتش حتی در سازوکارهای

اقتصادی ابتدایی مانند سازوکار پیشنهادی خود موسوم به اینستکس- ابزاری برای دور زدن تحریم‌های آمریکا- ثابت شد.

ایران در مواجهه با عدم پایبندی ایالات متحده و سه کشور اروپایی - فرانسه، آلمان و بریتانیا- از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ (۲۰۱۷-۲۰۲۱) به‌طور قانونی اقدامات اجرایی برجام را فعال کرد. به‌جای پایبندی به دیپلماسی، سه کشور اروپایی در ماه ژوئن صراحتاً حملات نظامی رژیم صهیونیستی علیه ایران را تأیید کردند؛ فردریش مرتس، صدراعظم آلمان حتی تا آنجا پیش رفت که گفت رژیم صهیونیستی دارد «کار کثیف» غرب را انجام می‌دهد. تأیید جنگ توسط اروپا و سپس توسل به سازوکار حل اختلاف دیپلماتیک توافق هسته‌ای- برای همان اهدافی که جنگ در تحقق آنها شکست خورد- باور ایران به دیپلماسی را بیش از پیش خدشه‌دار کرده است.

با توجه به این سابقه تلخ تاریخی، متقاعد کردن مردم و دولت ایران به دیپلماسی به عنوان یک امکان و فرصت چالشی بزرگ خواهد بود. اما گزینه جایگزین- مسیر جنگ‌های بی‌پایان- بی‌تردید منجر به فروپاشی نظم منطقه‌ای، افراط‌گرایی فزاینده و هرج‌ومرجی می‌شود که غرب آسیا و فراتر از آن را دربرخواهد گرفت. این مسیر خطر غرق شدن ایالات متحده و غرب در باتلاقی با ابعادی تاریخی را در پی دارد.

ایالات متحده و اروپا - و نه فقط ایران- دارای منافع وجودی در تشویق تغییر پارادایم مورد بحث هستند. آنها با انتخاب جنگ در میانه مذاکرات عملاً در دیپلماسی را به‌روی خود بسته‌اند. اکنون بار مسئولیت تغییر مسیر بر دوش آنهاست، اگر انتظار پاسخ متقابل از سوی ایران را دارند. ایران نیز با مشارکت در یک گفت‌وگوی چندوجهی، آینده‌نگر و نتیجه‌محور، منافع زیادی به‌دست می‌آورد و مصائب عظیمی را دفع می‌کند. مسیر پیش رو می‌تواند شامل ایجاد یک شبکه منطقه‌ای برای عدم اشاعه و همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز (طرح مناره)، احتمالاً همراه با یک توافق عدم تجاوز بین ایران و آمریکا باشد.

ما نمی‌توانیم گذشته را نادیده بگیریم و نباید از آموختن از آن دست بکشیم. اما باید از زندانی شدن در شکست‌های گذشته خودداری کنیم. در غیر این صورت، خود را محکوم به تکرار حلقه بی‌پایان فجایع می‌کنیم. جنگ‌افروزان با بستن هر پنجره‌ای به روی دیپلماسی رشد می‌کنند. ما باید فرصت را برای تحکیم پارادایم مخرب تهدید و خاموش کردن امید از آنها بگیریم. زمان انتخاب اکنون فرا رسیده است. انتخاب برای ایران، منطقه و قدرت‌های جهانی روشن است: تکرار فاجعه‌بار گذشته یا شجاعت ساختن مشترک آینده. اکنون زمان تغییر پارادایم است.

خطابه فیصل

رئیس پیشین سرویس اطلاعاتی عربستان عادی سازی روابط با اسرائیل را چگونه تحلیل کرد؟

ترکی فیصل، رئیس پیشین اطلاعات عربستان، نتانیاهو را «جنایتکار جنگی» و «روانی قاتل» خواند و گفت، عربستان هیچ‌گاه روابط با اسرائیل را عادی نمی‌کند. او تأکید کرد، صلح و ابتکار عربی پیش‌شرط هرگونه توافق است نه توهیات توسعه‌طلبانه نتانیاهو. او با اشاره به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل گفته است که این کشور نمی‌تواند با یک جنایتکار جنگی که شیفته کشتار جمعی است، روابط عادی برقرار کند. در جریان مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان از او درباره عادی‌سازی روابط با اسرائیل پرسیده شد و ترکی فیصل پاسخ داد که چگونه کسی می‌تواند انتظار داشته باشد، عربستان با چنین جنایتکاری دیوانه نسل‌کشی روابط عادی برقرار کند. شاهزاده ترکی فیصل افزود هیچ راهی وجود ندارد که عربستان در شرایط کنونی با رژیم صهیونیستی روابط عادی برقرار کند. او یادآوری کرد این عربستان بود که طرح صلح عربی را ارائه کرد. این طرح همچنان روی میز است. او به تلاش‌های گذشته عربستان برای صلح در منطقه اشاره کرد و افزود که عادی‌سازی نمی‌تواند پیش از صلح انجام شود. تاریخ طولانی از تلاش‌های عربستان برای صلح وجود دارد.

ادامه تیتیر یک

ناکامی در آلاسکا

همین میزبانی ترامپ از پوتین در آلاسکا طی روز گذشته و حتی در زمان دیدار دوجانبه، بارها و بارها از سوی کاربران فضای مجازی، کارشناسان و خبرنگاران آمریکایی مورد اشاره و انتقاد قرار گرفت؛ چراکه ترامپ روی فرش قرمز از پوتین استقبال کرد و فراتر از آن جنگنده‌های اف-۲۲ ایالات متحده، هواپیمای حامل پوتین را تا فرودگاه همراهی کرد. اگرچه پروتکل‌های تشریفات، چنین اقدامی را از طرف میزبان الزامی نمی‌داند اما به عنوان نشانه‌ای از احترام به میهمان آن را اجرائی می‌کنند. این میزان از تشریفات شاید به صورت عرفی یک اقدام متعادل باشد اما باید توجه شود که تمام حرکات و رفتار دو طرف زیر ذربین اروپا و اوکراین قرار داشت.

کوتاه اما بی‌حاصل

اگر دیدار ترامپ و پوتین را به صورت دقیق بررسی و تحلیل کنیم به خوبی می‌بینیم که این ملاقات حدود سه ساعته به صورت «سه به سه» برگزار شد؛ به گونه‌ای که در تیم روسیه سرگئی لاوروف وزیر خارجه و یوری اوشاکوف دستیار ویژه پوتین و در تیم آمریکا، مازکو رویو وزیر خارجه و استیو ویتکاف مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی حضور داشتند و قبل از اینکه دو طرف وارد مذاکره دوجانبه شود به هیچ سوالی از سوی خبرنگاران پاسخ ندادند. در این میان ناهار مشترک میان سران دو کشور لغو شد و ترامپ و پوتین به واشنگتن و مسکو بازگشتند که برخی این اقدام را نشان از تنش می‌دانند و دیگران هم این موضوع را نوعی تحفظ سیاسی از سوی روس‌ها قلمداد کردند. با این تفاسیر در میانه گمانه‌زنی‌ها پیرامون شکست مذاکرات، ترامپ و پوتین اما در نشست خبری مشترک خود از گفت‌وگوهای سازنده در فضایی مثبت و پیشرفت بزرگ سخن گفتند اما حقیقت این است که هیچ توافقی بر سر اوکراین حاصل نشد! پوتین بار دیگر تأکید کرد که باید به ریشه‌های جنگ اوکراین که یکی از آنها گسترش ناتو است، پرداخته شود و تهدیدهای امنیتی علیه روسیه از بین برود. ترامپ هم با وجود اعلام پیشرفت بزرگ در مذاکرات، گفت که چند نکته باقی مانده و توافق قطعی نیست. رئیس‌جمهور آمریکا البته نگفت که چه نکاتی باقی مانده اما بسیاری اعتقاد دارند این محورها عموماً امنیتی و مسائل ارضی است. ترامپ پس از این دیدار و در مصاحبه با «شان هنیتی» یکی از مجریان محبوب خود در شبکه فاکس‌نیوز، توپ را به زمین اروپا و اوکراین انداخت و گفت که تقریباً سه ساعت با هم بودیم و این نشست بسیار مفصل بود. اکنون واقعاً به رئیس‌جمهور زلنسکی بستگی دارد که توافق را انجام دهد و اگر آنها مایل باشند، من در جلسه بعدی خواهم بود. رسیدن به توافق درباره اوکراین اکنون در دست زلنسکی و کشورهای اروپایی است. به زلنسکی توصیه می‌کنم با پوتین توافق کند؛ روسیه قدرت بسیار بزرگی است اما اوکراین نیست. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین گفت که نشست با

عادی‌سازی پیش از آن رخ نخواهد داد. ابتکار صلح عربی بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است. قانون بین‌الملل باید در این مسائل حاکم باشد نه اینکه به سادگی رها شود و بهای سیاسی برای یک روانی قاتل مانند آقای نتانیاهو داده شود.

این مقام پیشین سعودی همچنین به طرحی اشاره کرد که ماه گذشته توسط عربستان و فرانسه در کنفرانس راه‌حل دو دولتی در نیویورک ارائه شد. این طرح شامل ایجاد یک مرجع حکومتی در غزه است تا تشکیلات خودگردان فلسطین بتواند تمام خدمات دولتی را ارائه دهد، زندگی غیرنظامی بازگردد، بازسازی انجام شود و به مردم امیدی برای آینده داده شود. او گفت همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، عربستان، فرانسه و کشورهای دیگر اخیراً طرحی را روی میز گذاشته‌اند تا به جنگ در غزه پایان دهند و برای خاتمه خصومت‌ها میان اسرائیل و همسایگانش گام بردارند. در مورد اظهارات اخیر نتانیاهو درباره «اسرائیل بزرگ»، شاهزاده ترکی گفت که نتانیاهو اکنون درباره نوعی تصویر کتاب مقدسی از اسرائیل صحبت می‌کند. او آن را پنهان نمی‌کند. حتی آن را روی

نقشه‌ها نشان می‌دهد. این به معنای سرزمینی از رود نیل تا رود فرات است که او قصد دنبال کردن آن را دارد.

نتانیاهو، مشکل است

در این مسیر مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک هم در مصاحبه‌ای با روزنامه جیلاندز-پوستن اعلام کرد که نتانیاهو اکنون خود یک مشکل است. دولت اسرائیل زیاده‌روی می‌کند. او در ادامه وضعیت انسانی «کاملاً وحشتناک و فاجعه‌بار» در غزه و پروژه شهرک‌سازی جدید در کرانه باختری اشغالی را به شدت مورد انتقاد قرار داد. این مقام ارشد دانمارک خاطرنشان کرد که ما یکی از کشورهای هستیم که می‌خواهیم، فشار بر اسرائیل را افزایش دهیم اما هنوز حمایت



پوتین موفق بوده و او امتیاز ۱۰ از ۱۰ را به آن می‌دهد اما تا زمانی که توافقی نهایی نشود هیچ جمع‌بندی بر سر توافق وجود ندارد.

نگرانی اروپا - کی‌یف

موضوع مهم دیگری که در این راستا باید مورد نظر قرار بگیرد این است که ترامپ پس از نشست در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز گفته است که به دلیل پیشرفت در مذاکرات با پوتین فعلاً برنامه‌ای برای اعمال تعرفه بر چین بابت خرید نفت روسیه ندارد و حالا این مساله بیش از حد اوکراین را زیر سوال برده است. در این بین ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین اعلام کرد که پس از گفت‌وگو با دونالد ترامپ هماهنگی‌های بیشتری با رهبران اروپایی انجام داده و اعلام کرد که باید به صلح واقعی دست یافت؛ صلحی که پایدار باشد و نه صرفاً یک توقف موقت در خلال حملات روسیه. زلنسکی افزود که باید هرچه سریع‌تر کشتار متوقف شود و آتش‌بس در میدان نبرد، آسمان و علیه زیرساخت‌های بندری برقرار گردد. وی همچنین خواستار آزادی همه اسیران نظامی و غیرنظامی اوکراینی و بازگرداندن کودکانی شد که به ادعای او توسط روسیه ربوده شده‌اند. رئیس‌جمهور اوکراین در ادامه تأکید کرد که فشار بر روسیه باید تا پایان جنگ ادامه داشته باشد. او گفت در مکالمه با رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کرده که در صورت برگزار نشدن نشست سه‌جانبه یا طفره رفتن روسیه از پایان عادلانه جنگ، تحریم‌ها باید تشدید شوند. زلنسکی تحریم‌ها را ابزاری

مؤثر خواند و گفت امنیت، اوکراین باید به شکل مطمئن و بلندمدت و با مشارکت اروپا و ایالات متحده تضمین شود. او افزود که هیچ موضوعی، به‌ویژه مسائل سرزمینی، نباید بدون مشارکت اوکراین حل‌وفصل شود. در این بین شورای اروپا و ناتو در بیانیه‌ای مشترک پس از نشست ترامپ-پوتین بر حمایت کامل از اوکراین، تضمین‌های امنیتی قوی، ادامه فشار بر روسیه و مخالفت با هرگونه حق وتوی مسکو در مسیر عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا و ناتو تأکید کرد. بیانیه مشترک شورای اروپا به امضای امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، فردریش مرتس صدراعظم آلمان، کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا، الکساندر استوب رئیس‌جمهور فنلاند، دونالد تاسک نخست‌وزیر لهستان، آنتونیو کوستا رئیس‌شورای اروپا و اورزولا فون‌درلاین رئیس کمیسیون اروپا رسیده است. در بیانیه کشورهای اروپایی تأکید شده که اوکراین باید تضمین‌های امنیتی محکم داشته باشد تا بتواند به طور مؤثر از حاکمیت و تمامیت ارضی خود دفاع کند و از اظهارات ترامپ مبنی بر آمادگی آمریکا برای ارائه تضمین‌های امنیتی استقبال شده و ائتلاف داوطلبان آماده است، نقش فعالی ایفا کند. این بیانیه به وضوح نشان می‌دهد، اروپایی‌ها یا نمی‌دانند که دقیقاً چه اتفاقی در نشست مشترک پوتین و ترامپ رخ داده یا اینکه ترامپ به صورت کامل به آنها نگفته است که بر سر چه محورهای بحث شده است؛ چراکه زلنسکی در این راستا همچنان به دنبال تحریم روسیه از سوی آمریکا و اروپاست.



اعضای اتحادیه اروپا را به دست نیاورده‌ایم. فردریکسن افزود که می‌خواهد فشار سیاسی، تحریم‌ها، چه علیه شهرک‌نشینان، وزرا یا حتی کل اسرائیل» چه علیه تحریم‌های تجاری یا تحقیقاتی را در نظر بگیرد.

نخست‌وزیر دانمارک که کشورش جزو کشورهایی نیست که اعلام کرده، دولت فلسطین را به رسمیت می‌شناسد، گفت که ما از قبل هیچ احتمالی را رد نمی‌کنیم. درست مانند روسیه، ما تحریم‌ها را طوری طراحی می‌کنیم جاهایی که معتقدیم بیشترین تأثیر را خواهند داشت را هدف قرار دهند. این انتقادها در حالی شیب صعودی به خود گرفته که اخیراً نتانیاهو از طرح اسرائیل بزرگ رونمایی کرده که از سوی بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی محکوم شده است.

آمریکای جنوبی

در مسیر تغییر

آیا راست‌ها پس از دو دهه در بولیوی
روی کار می‌آیند؟

بولیوی برای اولین بار تقریباً در دو دهه گذشته در مسیر تغییر به سمت جناح راست قرار گرفته است. شبکه خبری الجزیره گزارش داد که رأی‌دهندگان در این کشور آمریکای جنوبی امروز (یک‌شنبه) با حضور در پای صندوق‌های رأی، رئیس‌جمهوری بعدی خود و اعضای از کنگره را انتخاب خواهند کرد. با این حال اختلافات در درون جناح چپ‌گرایی بولیوی که مدت‌هاست در این کشور سلطه دارد، راه را برای پیروزی جناح راست باز کرده است به‌طوری که نامزدهایی مانند ساموئل دورجا یدینا، تاجر و خورخه «توتو» کیروگا، رئیس‌جمهوری سابق این کشور در این رقابت پیش‌تاز هستند. بولیوی در سال‌های اخیر با آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی از جمله تورم بالا و کاهش ذخایر ارزی مواجه بوده است. این امر باعث تشدید ناراضیاتی عمومی از حزب حاکم جنبش به سوی سوسیالیسم (MAS) شده که از سال ۲۰۰۶ پیوسته در قدرت بوده است. نامزدهایی مانند مدینا و کیروگا امیدوار به سرنگونی حزب جنبش به سوی سوسیالیسم از ریاست‌جمهوری هستند. با این حال تنش‌ها در این کشور بالاتست و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که رقابت نامزدها تنگاتنگ خواهد بود و ممکن است، دور نخست انتخابات پیروز مشخصی نداشته باشد.

نتایج نظرسنجی آمریکن سوساییتی و شورای آمریکاس (Council of the Americas) نشان می‌دهد که دو نامزد محافظه‌کار، مدینا و کیروگا امیدوارند پیش‌تاز رقابت‌ها باشند. با این حال نظرسنجی‌ها همچنین نشان می‌دهند که تعداد قابل توجهی از رأی‌دهندگان احتمالاً هنوز مردد هستند و یا حتی قصد دارند، رأی ممتنع بدهند. سه نظرسنجی انجام شده در بازه زمانی بین اول ماه ژوئن تا اواخر ماه ژوئیه (خرداد/تیر) نشان می‌دهد که مدینا، نامزد پیش‌تاز با کسب ۱۹.۶ و ۲۴.۵درصد آراست.



وبترین: تازه‌های نشر

دموکراسی از طریق قدرت

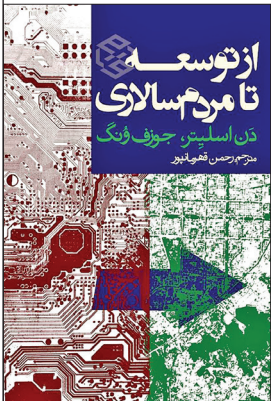
دَن اسلیتر و جوزف وُنگ در **از توسعه تا مردم‌سالاری** به بررسی ارتباط توسعهٔ اقتصادی و دموکراسی در کشورهای آسیایی می‌پردازند



است که پذیرش دموکراسی توسط حاکمیت را گزینه‌ای بهتر می‌داند و این برای گروه‌های سیاسی، نکته‌ای بحث‌برانگیز است اما الستر و وُنگ نشان می‌دهند چرا دموکراسی‌هایی که از خاکستر سقوط نظام سیاسی برمی‌خیزند تا سال‌های مدیدی گرفتار بی‌ثباتی اند. به زبان ساده می‌گویند، توسعهٔ اقتصادی باعث تسهیل و در عین حال استحکام دموکراسی‌ها می‌شود. کما این‌که کرهٔ جنوبی و اندونزی با وجود داشتن جامعه و سیاست چندپاره هم‌چنان دموکراسی‌های باثباتی دارند.

پارادوکس توکویل

تکه بسیار مهمی که این کتاب می‌گوید این است که حکومت‌ها در پی مدرنیزاسیون و گسترش طبقهٔ متوسط شهری با شهروندان معترضی روبه‌رو می‌شوند که انتظارات بیشتری دارند. از این امر گریزی نیست و حکومت‌ها باید برای مواجهه با این وضعیت یا «پارادوکس توکویل» برنامه داشته باشند. تایوان و اندونزی و کرهٔ جنوبی در مواجهه با این وضعیت دموکراسی را پذیرفتند اما مالزی و هنگ‌کنگ و تایلند آن را نپذیرفتند و گرفتار اقتدارگرایی ناکام شدند. «از توسعه تا مردم‌سالاری» با بررسی دقیق تصمیمات و انگیزه‌های نخبگان حاکم در کشورهای مختلف، تصویری روشن و منسجم از پویایی‌های سیاسی در این منطقه ارائه می‌دهند. اسلیتر و وُنگ در این کتاب با زبانی روشن و قابل فهم به تحلیل پیچیدگی‌های دموکراسی در آسیا می‌پردازند و استدلال‌های خود را با استفاده از شواهد تاریخی و تحلیل‌های نظری به خوبی پشتیبانی می‌کنند. مفهوم کلیدی مورد بحث در کتاب از توسعه تا مردم‌سالاری، ایدهٔ «دموکراسی از طریق قدرت» است. نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه اعتماد به پیروزی و ثبات می‌تواند، رژیم‌های اقتدارگرا را به سمت اصلاحات دموکراتیک سوق دهد. در کنار این مفهوم، آن‌ها به بررسی نقش عوامل دیگری نظیر توسعه اقتصادی، انسجام نخبگان و سیگنال‌های سیاسی و اجتماعی در این فرآیند می‌پردازند. ساختار این کتاب شامل ۹ فصل و یک بخش نتیجه‌گیری است. نویسندگان در فصل‌های ابتدایی، چارچوبی نظری ارائه می‌دهند سپس به بررسی موردی کشورهای مختلف آسیایی می‌پردازند و در نهایت یافته‌های خود را جمع‌بندی می‌کنند. این کتاب یکی از بهترین کتاب‌هایی است که در سال‌های اخیر دربارهٔ داستان درگونی در آسیا نوشته شده و توانسته بین توسعهٔ اقتصادی و دموکراسی پیوند نظری محکمی برقرار کند و برخلاف تصور رایج در ایران که بر بنیان‌های معرفتی مدرنیته در گذار به دموکراسی تأکید می‌کند، این کتاب سهم اصلی در تسهیل گذار را به توسعهٔ اقتصادی می‌دهد و نشان می‌دهد، راز استحکام و دوام دموکراسی‌های آسیایی در همین مسأله، یعنی توسعهٔ اقتصادی نهفته است و نه تفکر و اندیشه و فهم مدرنیته و چیزهایی نظیر این‌ها.



از توسعه تا مردم‌سالاری
دَن اسلیتر و جوزف وُنگ

ترجمه: رحمن قهرمان‌پور
انتشارات روزنه
۴۰۰ صفحه
۴۸۰ هزار تومان

قارهٔ آسیا در طول قرن گذشته، شاهد رشد اقتصادی چشم‌گیری بوده است. با این حال، پیشرفت دموکراسی در این منطقه بسیار ناهمگون بوده است. کتاب «از توسعه تا مردم‌سالاری»، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که چرا برخی از کشورهای آسیایی، با وجود رشد اقتصادی، دموکراتیک‌تر شده‌اند، در حالی که برخی دیگر، به‌ویژه چین همچنان اقتدارگرا باقی مانده‌اند؟ اسلیتر و وُنگ در کتاب «از توسعه تا مردم‌سالاری» با مرور الگوهای رایج در کشورهای آسیایی مدرن به تبیین پدیدهٔ گذار به دموکراسی «از موضع قدرت» می‌پردازند. در این الگو کم‌هزینه‌ترین راه‌حل در مواجهه با فشار آزادی‌خواهان، آن است که حکومت‌های اقتدارگرای دارای نهادهای قدرتمند، وقتی هنوز در اوج قدرت‌اند، تن به دموکراسی بدهند و خود فرمان‌هدایت آرام و باثبات آن را به دست بگیرند. مسیر موفقیت‌آمیزی که تایوان، ژاپن، کرهٔ جنوبی، اندونزی و... پیمودند موبد این نظر است. انتشارات روزنه کتاب «از توسعه تا مردم‌سالاری» آن را با ترجمهٔ رحمن قهرمان‌پور منتشر کرده است. دن اسلیتر، چهره‌ای برجسته در حوزهٔ علوم سیاسی است و در حال حاضر به عنوان استاد در دانشگاه میشیگان مشغول به فعالیت است. علاوه بر جایگاه علمی، او مدیریت مرکز وایزر برای دموکراسی‌های نوظهور را نیز بر عهده دارد، که نشان‌دهندهٔ تعهد و تخصص عمیق‌اش در مطالعه و بررسی تحولات دموکراتیک در سراسر جهان است. تخصص اصلی اسلیتر، سیاست تطبیقی است و به طور خاص بر منطقهٔ جنوب شرق آسیا تمرکز دارد. تحقیقات و آثار او بینش‌های ارزشمندی را در مورد پیچیدگی‌های سیاسی، ساختارهای قدرت و فرآیندهای دموکراتیک در این ناحیه ارائه می‌دهد. جوزف وُنگ نیز استاد نوآوری در مدرسه مونک امور جهانی و سیاست عمومی دانشگاه تورنتو است. او در زمینه سیاست رفاهی، نوآوری و توسعه در آسیا تخصص دارد.

کمک توسعه به دموکراسی

ایدهٔ بسیار مهمی که این کتاب پردازش کرده، گذار به دموکراسی از موضع قدرت و به عبارتی پذیرش دموکراسی توسط دولت‌ها در شرایطی است که توسعه را پیش برده‌اند و نگران پذیرش دموکراسی نیستند و می‌توانند، پیامدهای آن را مدیریت کنند. گذار قدرتمندانه به دموکراسی در جایی مثل کرهٔ جنوبی یا تایوان در نقطهٔ مقابل گذار به دموکراسی از موضع ضعف و سقوط نظام سیاسی در فیلیپین است. نویسندگان معتقدند، گذار به دموکراسی بر اثر سقوط نظام سیاسی (به‌خاطر اعتراضات) منجر به ظهور دموکراسی‌های باثبات نمی‌شود. لذا بر خلاف تصور رایج که برای رسیدن به دموکراسی باید نظام‌های اقتدارگرا را ساقط کرد، نویسندگان می‌گویند این کار در بهترین حالت به ظهور یک دموکراسی فقیر و بی‌ثبات می‌انجامد لذا گذار قدرتمندانه گزینهٔ بهتری است و تبعات منفی کمتری دارد. هر چند می‌پذیرند که دموکراسی فقیر از اقتدارگرایی ضعیف بهتر است. با این چارچوب نظری به بحث چین می‌پردازند و بر خلاف نظرات رایج می‌گویند، حکومت کمونیستی چین در بهترین موقعیت برای گذار قدرتمندانه به دموکراسی قرار دارد و چون در توسعه دادن چین و ثروتمند کردن آن موفق بوده و رضایت مردم را جلب کرده است لذا در صورت برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه هم در قدرت باقی خواهند ماند (مثل اتفاقی که برای حزب کومین تانگ در تایوان افتاد و در قدرت ماند).

ارتباط چارچوب نظری این کتاب با وضع فعلی ایران در این

فردید در انتظار فردایی دیگر

روایت **بهروز فرنو** از چرایی عدم انتشار آثار و درس گفتارهای **احمد فردید** در زمان حیاتش

احمد فردید، از برجسته‌ترین فیلسوفان معاصر ایران، ۲۵ مرداد ۱۳۷۳ درگذشت. پس از درگذش او، مرکزی با عنوان «بنیاد حکمی و فلسفی دکتر سیداحمد فردید» تأسیس شد تا به ترویج اندیشه‌های او و انتشار آثار ایشان همت گمارد.

فعالیت‌های بنیاد فردید

بهروز فرنو، عضو هیأت مدیرهٔ این بنیاد در گفت‌وگو با ایسنا دربارهٔ چرایی تأسیس این بنیاد گفته است: «مجموعه کتب کتاب‌خانهٔ شخصی ایشان به علاوه یادداشت‌ها، حواشی ایتمولوژیک یا ریشه‌شناسی کلمات و مجموعه نوارهای درس گفتارهایی که از او به جای مانده بود، اقتضای ثبت و ضبط، نگهداری و سپس استخراج و انتشار داشت. فقط کتاب‌های کتاب‌خانهٔ ایشان شامل بیش از ۱۰۰۰ جلد کتب عربی و فارسی است که اغلب مشتمل بر تفاسیر قدیم قرآن کریم و شروح مهم فصوص، فتوحات، اسفار، مثنوی... کتب لغت و حتی منابعی قدیمی از تاریخ علم اصول فقه است که برخی نسخ این آثار قدیمی و نفیس و چاپ سنگی است. هم‌چنین بیش از ۴۰۰ جلد کتب فرانسه و بیش از ۷۰۰ جلد کتب آلمانی فلسفه و علوم انسانی از کتاب‌خانهٔ استاد به جای مانده

است که شاخص‌ترین آن‌ها، کتب هیدگر به اصل زبان آلمانی است که کثرت یادداشت‌های میان متن و پشت جلد آن کتب حکایت از مطالعات و مراجعات کثیر استاد دارد. علاوه بر این آثار، حدود ۳۰ جلد فرهنگ لغات چند زبانه هم در کتاب‌خانهٔ استاد بود که ایشان با مقایسه لغات فارسی کهن، فارسی پهلوی و امروزی، سنسکریت، یونانی، لاتین، عربی، آلمانی و فرانسه کار تحقیق در ریشهٔ اولیه و کهن الفاظ را تعقیب می‌کرده است. برای فراهم شدن امکان نگهداری کتب و تحقق و تدارک امور مذکور، جمعی از همراhan، علاقه‌مندان مباحث و شاگردان استاد، پس از ارتحال او، در جست‌وجوی نهادی برای تولی این امور برآمدند که به شهرداری

گزارش تئاتر

تقلیل مستمر تئاتر

هنرهای نمایشی کشور از این پس به جای اداره کل، فقط یک دفتر دارد

اصلی‌اش هم عاجز خواهد ماند.

به گزارش خبرنگار مهر، زمانی که بعد از انقلاب اسلامی برای اولین بار ساختار اداری تئاتر ایران در بدنه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعریف شد، هنرهای نمایشی به همراه موسیقی و هنرهای تجسمی ذیل معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت. سینما به دلیل نگاه و نفوذی که مدیران و افراد تصمیم‌گیرنده در آن ایام داشتند، خود دارای یک معاونت شد و عنوان معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل گرفت. از همان ایام مشخص بود که قرار گرفتن ۳ عرصه هنری تأثیرگذار یعنی تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی ذیل یک معاونت یعنی جدی نگرفتن این عرصه‌ها در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری.

معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بودجه‌ای را دریافت می‌کند و این بودجه باید میان ۳ زیرمجموعه اصلی تقسیم شود. این روند نیز مانع گستردگی و توسعه این عرصه‌های هنری چه به لحاظ ساختاری و چه به لحاظ حمایتی و دریافت بودجه مشخص و متناسب با فعالیت‌ها و نیازها شد.

با وجود این در آن دوران تئاتر ذیل معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان «مرکز هنرهای نمایشی» دارای ساختاری اداری شد. با فعالیت مرکز هنرهای نمایشی و روند رو به رشد تعداد فعالان و هنرمندان تئاتری همچنین نیازی که در سراسر کشور به لحاظ زیرساخت و فعالیت‌های تئاتری وجود داشت، بحث بر شکل‌گیری سازمان تئاتر شکل گرفت.

در آن مقاطع زمانی بحث راه‌اندازی سازمان تئاتر به عنوان مطالبه‌ای جدی از سوی جامعه تئاتری مطرح شد و مدیران و مسئولان تئاتری و تصمیم‌گیرندگان فرهنگی و هنری آن دوران نیز پیگیر به سرانجام رسیدن این مطالبه بودند. قرار بود هنرهای نمایشی نیز مانند سینما با بیرون آمدن از ذیل معاونت امور هنری دارای ساختار اداری مستقلی در بدنه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد



فرا تر از یک جنایت ساده

نگاهی به فیلم بازی یک پیوه

از «ماخه» در روایت «بازی یک بیه» دیده می‌شود علاوه بر اختلال خودشیفتگی، فردگرایی افراطی پر رنگ است. فردگرایی افراطی، نگرشی است که در آن فرد استقلال، آزادی و منافع فردی به حدی برایش اولویت دارد که تقریباً هر نوع مسئولیت یا تعهد برایش کم اهمیت و بی ارزش تلقی می‌شود. «ماخه» پس از ازدواجش بیش از هر چیزی تمرکز بر خود داشت و استقلال را بدون ملاحظه و تعهد می‌خواست، در زندگی مشترکش، روابط متعدد عاطفی حتی زودگذر داشت چراکه ارزشمندی خودش را در آن می‌دید که منافعش را مستقیماً تأمین کند و این درست نقطه مقابل فردگرایی سالم است که تعادل بین حقوق و آزادی فرد با مسئولیت نسبت به دیگران به خصوص نزدیکان تعریف می‌شود. اختلال دیگر، خودشیفتگی اوست که از یک محیط بسته مذهبی وارد شهر بزرگی می‌شود و از آنجا که خوش چهره است، سعی می‌کند به صورت اغواگرانه، نگاه‌ها را به سمت خود بکشد و این مساله به تدریج تبدیل به امری معمول در زندگی‌اش شده، نارسیم درونی‌اش را بیدار می‌کند و زمینه‌ساز اختلال روانی می‌شود. او همه را بازی می‌دهد، والدین، همسر و خانواده همسرش را و در نهایت می‌خواهد «ایوا» را هم وارد بازی خود کند اما نمی‌داند که او یک بازرس زیرک است و گول وی را نمی‌خورد. از این رو بدون آنکه متوجه باشد، دروغ بخش لاینفک زندگی‌اش می‌شود. پرده دیگر ماجرا مربوط به «سالوا» همدست «ماخه» در این جنایت است که به دلیل دلداری به «ماخه» و دروغ‌هایی که از او مبنی بر خشونت همسرش شنیده بود، چشم بسته به تله این زن افتاد. او می‌خواهد «ماخه» را از این مهلکه نجات دهد. از این رو با همدستی وی، این مرد تبدیل به یک قاتل احمق می‌شود. «ماخه» با بازی‌های روانی که به پا می‌کند، اتفاقات ناگواری را رقم می‌زند.

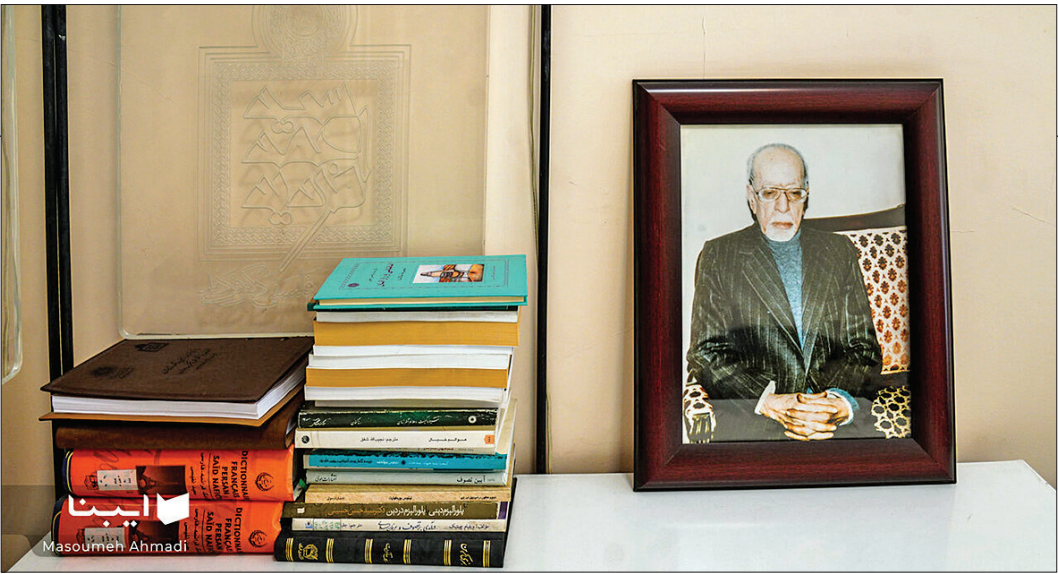
کارگردان از این سه زاویه به خوبی توانست، فیلمش را فراغ از آثار مستندگونه و مبتنی بر واقعیت از جنبه روان‌شناختی و المان‌های سینمایی جذاب کند. هر چند که نیمه دوم فیلم از گسندی ریتم رنج می‌برد اما شخصیت‌پردازی‌های دقیق و فضاسازی از پایه‌های اصلی «بازی یک بیوه» به شمار می‌رود.

«ایوانا باکرو» در نقش «ماخه» با ظرافت با ایجاد حس تعلیق و تردید، بازی می‌کند و «سدس» بیش از هر بازیگر دیگری به طراحى درست این شخصیت پرداخته است. او به‌عنوان فردى مشکل‌دار با توانمندی به‌خوبی از پس نقش زن یک آزارگر و روان‌پزند برآمده است. «باکرو» نشان داد، بازی‌های روانی یک فرد چگونه می‌تواند منجر به اتفاقات ناگوار شود. «ایوانا باکرو» پیشینه‌خوبی در سینمای اسپانیا دارد. او با درخشش در فیلم «در هزار توی پن» در ۱۱ سالگی مسیر حرفه‌ای‌اش را آغاز کرد و در طول دو دهه با تنوع نقش‌های مختلف به یک چهره شناخته شده در سینمای اسپانیا و جهان تبدیل شد. منتقدان اشاره کرده‌اند که «ایوانا باکرو» توانسته، دیوار نامریی بین دوران کودکی و بزرگسالی را پشت سر بگذارد و با انتخاب نقش‌های متنوع از جمله در هالیوود به یک بازیگر تمام‌عیار تبدیل شود. خود وی درباره حرفه‌اش می‌گوید: «بازیگری برای او ترکیبی است از بازی و مسئولیت» هر نقش‌اش با حس غریزه همراه است. نقش او در «بازی یک بیهوش» از قدرت و کنترل بالایی برخوردار است. «ایوانا باکرو» تعادل را بین معصومیت و خطر آفرینی برقرار کرد و از سوی دیگر کارگردان به مستندات و پرورده کاملاً وفادار بود. «بازی یک بیهوش» یکی از آثار جنایی قابل احترام در سطح جهانی است.

فرزانه متین

گروه سینما

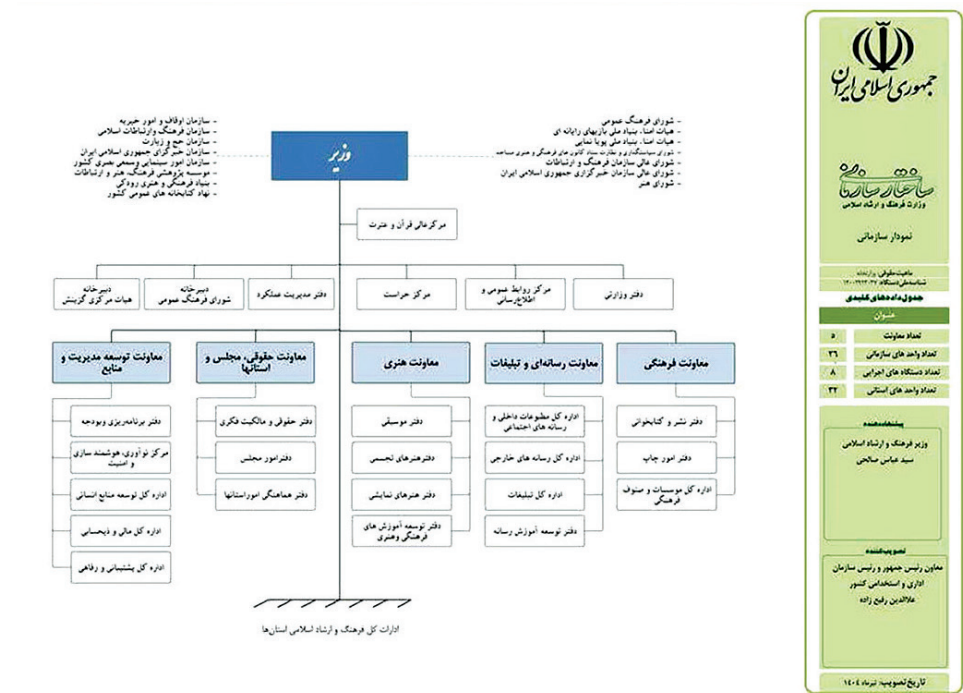
در سال‌های اخیر، سینمای اسپانیا در دو ژانر جنایی و دلهره‌آور توانسته قد علم کند و آثاری در زمینه سینما و سریال در این عرصه تولید کرده که علاوه بر اینکه از منظر محتوا قابل توجه‌اند از نظر فرم هم با آثار شاخص جهان برابری می‌کنند. فیلم «بازی یک بیوه» (*A Widow's Game*) یکی از آثاری است که در ژانر جنایی و روانشناختی نه تنها در خود اسپانیا بلکه در سطح جهانی در فهرست پربیننده‌ترین فیلم‌ها قرار دارد. «بازی یک بیوه» بر اساس یک پرونده واقعی جنایی در سال ۲۰۱۷ در شهر «والنسیا» ساخته شده؛ در سال ۲۰۲۵ «کارلوس سدس» این جنایت را روی پرده نقره‌ای برد که نه تنها به سطح و چگونگی این واقعه پرداخت بلکه لایه‌های زیرین و مشکلات روان‌شناختی که منجر به این جنایت شده بود را از دل صفحات این پرونده بیرون کشید و به شکلی هوشمندانه و حتی دغدغه‌مند به صورتی عمیق آنها را به تصویر درآورد. «ایوان باکرو»، «کارمن ماچی» و «تریستان اولوآ» سه بازیگری هستند که مخاطب از زاویه دید آنها به عمق ماجرای می‌برد. داستان فیلم در شهر «والنسیا» جریان دارد، جایی که مردی به نام «آرتور» به طرز مشکوکی با ضربات چاقو به قتل می‌رسد. همسر جوان او «ماخه» زنی ۲۷ ساله آرام و خوش‌چهره به سرعت مظنون اصلی معرفی می‌شود اما در پشت ظاهر آرام او، رازها و بازی‌های پیچیده‌ای نهفته است. کارگردان با پرداخت به روایت در سه پرده، توانسته مخاطب را در درگیر تعلیق و حفره‌های روایی فیلمش کند. پرده اول، داستان از زاویه دید «ایوا» یا بازی «کارمن ماچی» بازرس ویژه این پرونده جلو می‌رود. زنی که ۹۰ درصد از پرونده‌های جنایی را حل کرده است. او در مرکز داستان قرار دارد. در پرده دوم به روایت «ماخه» یا بازی «ایوان باکرو» از زمان ازدواج با «آرتور» می‌پردازد که به عنوان اصلی‌ترین مظنون به قتل شناخته می‌شود و ستون اصلی روایت است. در اینجاست که «سدس» جنبه‌های اختلال خودشیفتگی و فردگرایی افراطی را به مخاطب بدون پرده نشان می‌دهد که باید آن را برگ برنده فیلم تلقی کرد چرا که این موضوعات نهفته، «بازی یک بیوه» را از سایر فیلم‌های جنایی متمایز می‌کند. پرده نهایی به شخصیت «سالوا» یا بازی «تریستان اولوآ» همکار «ماخه» می‌پردازد که به دلیل عشقی که نسبت به «ماخه» و تأثیرپذیری شدیدی که از او دارد، باعث می‌شود، دست به تصمیم وحشتناکی بزند که از او یک قاتل ساده‌لوح می‌سازد. آنچه که «سدس» از مخاطبش می‌خواهد که روی آن تمرکز کند، اختلالات «ماخه» است که منجر به شکل‌گیری قتل همسرش می‌شود. او با ورود به خانواده مذهبی «ماخه» به صورت واقع‌گرایانه آنها را به ترسیم درمی‌آورد که هنر وی را باید ستود. تماشاگر تا زمانی که با مشکلات فردی این دختر جوان روبه‌رو نشده، مطمئن این پرونده جنایی را مانند سایر پرونده‌های دیگر می‌بیند و خیلی آسان از کنار آن می‌گذرد بدون اینکه تاملی دقیق بر فیلم داشته باشد. «بازی یک بیوه» سراسر است و مخاطب از همان ۲۰ دقیقه ابتدایی، می‌تواند حدس بزند که «ماخه» در قتل همسرش دست داشته اما انگیزه وی چه بوده است؟ پرسشی که «کارلوس سدس» در نیمه دوم به آن پاسخ می‌دهد. در این نیمه، کارگردان لایه‌های پنهانی شخصیت «ماخه» را باز می‌کند و به دور از هرگونه پیش‌داوری و قضاوت، آنها را به تصویر درمی‌آورد. آنچه که



علت ورود تفهیم‌دهی و تسنید‌دهی مفاهیم و معانی و اصطلاحات جدید در متون ترجمه، آشفته شده و امکان طرح دقیق مباحث فلسفی و حکمی را تا حدود زیادی از دست داده است. دوم همان عدم انتقال حس و حال گوینده و تأکیدات کلامی در متن مکتوب است. بخصوص که اگر گوینده‌ای چون مرحوم استاد فرید، در خصوص اثرگذاری احوالی و ذوقی کلام خود هم تأکید داشته باشد و کلام را با ابیات عرفانی و ذوقی هم همراه کند، سون این که وسواس مرحوم فرید در رسیدگی به سابقه و ریشه مشترک اولیه الفاظ و معانی و تعدّد او برای بازخوانی و تأمل چند باره در مفاهیم و معانی کلمات و اصطلاحات، برای اشراف به ادوار تفکر و تفاوت ماهوی معارف قدیم و جدید، مانع از آن می‌شده است که دست از تحقیق کشیده به دنبال تالیف و تدوین یافته‌های خود باشد. چهارم و مهم‌تر از همه آن‌که در مجموع ملاحظات فوق و عدم عنایت عمومی به تذکرات و اهمیت تحقیقات استاد، او را، به‌خصوص در اواخر عمر، به این نتیجه رساند که چه بسا وقت و زمان انتشار افکار و پرسش‌هایش از مدرنیته و وضع کنونی تفکر، نرسیده است و در مقام هم‌سخنی با نیچه و هیدگر، به این نکته رسید که زمان توجه به کلام او در فردایی دیگر، متفاوت از امروز روزگار کنونی و در انتظار حقیقت پس‌فردای ظهور منجی و انکشاف حجب از حقیقه‌الحقایق، فرا خواهد رسید.»^{۱۱} فرنو در ادامه می‌گوید: «از سقراط، بنیان‌گذار فلسفه هم آن‌چه نقل شده اغلب شفاف‌هی بوده و در آثار افلاطون، گفت‌وگوهای او مدون شده است. هم‌چنین در عالم اسلام بسیاریند مشایخ و بزرگانی که اقوال آن‌ها توسط پیروانشان مدون شده است. ظاهراً در گذشته تألیف رساله و مقاله علمی، بعضاً رساله‌های جیبی و مقاله‌های کبّی یستی، برای ارتقای استادان و صاحب‌نظران، شرط ضروری نبوده است؛ بنابراین اطلاق فیلسوف شفاف‌هی به مرحوم فرید، در این اوضاع و احوال، در حقیقت مدح به ظاهر ذم است.»^{۱۲}

فیلسوف شفاهی، مدح به ظاهر ذم

فرو درباره این که چرا فرید در دوره حیات چیزی از تحقیقاتش منتشر نکرده، می‌گوید: «چند دلیل از سوی خود استاد، برای پرهیز از نوشتن و انتشار، همواره در درس گفتارها ذکر شده است: اول بضاعت ندک زبان هر روزینه فارسی کنونی است. چه این زبان از یک سوی از وقت‌های ادبی و حکمی گذشته فاصله گرفته است و از سوی دیگر به



نیز اعلام کردند که در راه تحقق این خواسته گام برمی دارند و حتی وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی طی یک دهه اخیر هم به نوعی خود را موافق شکل گیری سازمان تئاتر نشان دادند.

اما باز هم هیچ اقدام قابل توجهی برای رشد و توسعه ساختار اداری و چارت سازمانی تئاتر شکل نگرفت و به تازگی بر خلاف مطالبه جامعه تئاتری باز هم هنرهای نمایشی در این بخش کوچکتر شده است. در جدیدترین چارت سازمانی ارائه شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «اداره کل هنرهای نمایشی» به «دفتر هنرهای نمایشی» تقلیل پیدا کرده است.

مشخص نیست این تغییرات طی ۴ دهه اخیر بر چه اساسی شکل گرفته و چرا هنرهای نمایشی به رغم نیاز جدی و مطالبه جامعه تئاتری، دارای ساختار اداری و سازمانی متناسبی نمی‌شود. اگر روند همانند گذشته ادامه پیدا کند، جای نگرانی وجود دارد که در آینده‌ای نه چندان دور «دفتر هنرهای نمایشی» نیز به یک ساختار کوچک‌تک تبدیل شود و تئاتر ایران تنها به داشتن یک تریبون و یک میکروفون برای ارائه آمار توسط یک مدیر هیچ‌کاره بسنده کند.

و بتواند ضمن دارا شدن از بودجه‌ای مشخص و متناسب با فعالیت‌ها و نیازها، چشم‌انداز رشد، توسعه و گسترش خود را ترسیم کند.

متأسفانه به رغم مطالبه جدی خانواده تاتار با تغییر مدیران و مسئولان تصمیم‌گیرنده، بحث شکل‌گیری سازمان تاتار فقط در حد حرف و صحبت باقی ماند و با گذشت چند دوره مدیریتی، مرکز هنرهای نمایشی نیز به اداره کل هنرهای نمایشی تقلیل پیدا کرد.

این تغییر (مرکز) به «اداره کل» به شکلی کاملاً نامحسوس و در قالب تعریف چارت سازمانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شکل گرفت و در ادامه در اخبار و اطلاعات منتشر شده از سوی این وزارتخانه تثبیت شد. با وجود برخی واکنش‌های جامعه تاتاری، تغییری در این وضعیت ایجاد نشد و ساختار اداری و مدیریتی تاتار کوچک‌تر شد. از آن سو معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سازمان سینمایی تبدیل شد و عرصه سینما چه در زمینه فعالیت و چه حمایت، وضعیت مطلوب‌تری را به لحاظ ساختار اداری به دست آورد. طی یک دهه گذشته مطالبه شکل‌گیری سازمان تاتار نیز بار دیگر مطرح شد و مدیران و مسئولان هنری وقت

دیدگاه:یادداشت اقتصادی

موانع سخت

آیا ایران به گروه ویژه اقدام مالی می‌پیوندد؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

در اواخر فصل بهار وقتی دولت مسعود پزشکیان بار دیگر پرونده همکاری ایران با گروه ویژه اقدام مالی را به جریان انداخت، خیابان‌های تهران و محافل سیاسی دوباره پر از بحث‌های داغ درباره الحاق به کنوانسیون‌های CFT و پارلمو شد. نزدیک به دو دهه است که این گره، از مناظره‌های انتخاباتی تا گفت‌وگوهای روزمره مردم، سایه‌ای سنگین بر اقتصاد و سیاست ایران انداخته است. رد لوائح توسط شورای نگهبان، بایگانی شدن آنها در مجمع تشخیص مصلحت نظام و حالا باز شدن دوباره این پرونده، حکایت از سوءتفاهم‌هایی عمیق دارد که ایران را در برابر FATF به چالشی پیچیده کشانده است. اما چرا این موضوع این قدر بغرنج شده و چگونه می‌توان این گره را گشود؟

حدود دو دهه است که جمهوری اسلامی ایران با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) چالش دارد و این موضوع در مناظره‌های سیاسی و محافل عمومی و دانشگاهی بحث‌برانگیز بوده است. اهمیت اف ای تی اف برای ایران بسیار گسترده است زیرا نه فقط فضای مالی بین‌المللی را به روی ایران باز می‌کند بلکه پنجره‌ای است که می‌تواند بخشی از مذاکرات ایران و غرب را در خود جای دهد و از آن مهم‌تر آنکه دعوت به مذاکره در زمانی صورت می‌گیرد که دبیر جدید شورای‌عالی امنیت ملی در ایران منصوب شده است. با روی کار آمدن دولت پزشکیان، پرونده همکاری ایران با FATF به‌ویژه الحاق به کنوانسیون‌های CFT (مقابلسه با تأمین مالی تروریسم) و پارلمو (جرائم سازمان‌یافته فراملی) دوباره مطرح شده است. ایران در سال ۱۳۹۸ متعهد به اجرای توصیه‌های چهل‌گانه FATF شد اما لوائح الحاق به این کنوانسیون‌ها توسط شورای نگهبان رد و در مجمع تشخیص مصلحت نظام بایگانی شد. اخیراً با پیگیری دولت، الحاق به پارلمو تصویب شده و CFT در دست بررسی است. با این حال، گره کور FATF در ایران به دلیل سوءتفاهمات و خطاهای محاسباتی همچنان پابرجاست.

نخست FATF به اشتباه به‌عنوان سازمان با معاهده بین‌المللی تلقی می‌شود، در حالی که نهادهای بین‌دولتی است که توسط گروه هفت (G۷) برای مبارزه با پولشویی، قاچاق مواد مخدر و تأمین مالی تروریسم تأسیس شده و توصیه‌هایی برای جرم‌انگاری، پیشگیری و همکاری قضایی ارائه می‌دهد. کشورهای غیرهمکار در لیست سیاه قرار می‌گیرند که تبعات اقتصادی سنگینی دارد. دوم، برخلاف تصور، مساله ایران، عضویت در FATF نیست بلکه خروج از لیست سیاه از طریق اجرای استانداردها از جمله الحاق به کنوانسیون‌های مذکور است. سوم، نگاه منفی به FATF به‌عنوان نهادهی استکباری، مانع درک واقع‌بینانه آن شده و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا حدود ۲۰۰ کشور همکار با FATF همگی تحت نفوذ هستند؟ چهارم نگاه مقطعی به FATF مانند شرط‌گذاری خروج از لیست سیاه برای الحاق به CFT ساده‌انگارانه است زیرا همکاری با FATF فرآیندی مستمر و چندجانبه است. پنجم، اظهارنظرهای غیرکارشناسی و هجمه علیه موافقان همکاری، تصمیم‌گیری منطقی را مختل کرده است. ششم، خلط تحریم‌ها با FATF خطاست؛ عدم همکاری با FATF خودتحریمی است و حتی در صورت رفع تحریم‌ها، مشکلات اقتصادی پابرجا خواهد ماند. هفتم، ادعای دور زدن تحریم‌ها به بهانه شفافیت بانکی با اجرای توصیه‌های FATF منافات دارد زیرا ایران مدعی اجرای این توصیه‌هاست. هشتم، نگرانی از محکومیت به دلیل حمایت از گروه‌های مقاومت خودمحکومی است زیرا این گروه‌ها در بسیاری از کشورهای همکار با FATF فعال‌اند و الحاق به CFT لزوماً به محکومیت ایران منجر نمی‌شود. نهم، بدبینی به معاهدات بین‌المللی و شرط‌گذاری‌های مهم مانند معادل دانستن قوانین داخلی با معاهدات، رویکردی غیرواقع‌بینانه است. دهم، فقدان نگاه راهبردی به FATF باعث از دست رفتن فرصت‌هایی مانند عضویت و تأثیرگذاری در این نهاد شده، در حالی که کشورهایی مانند عربستان از این فرصت‌ها بهره برده‌اند.

همکاری با FATF سه ضرورت دارد: اقتصادی، برای جلوگیری از خودتحریمی و بهبود مبادلات مالی؛ حقوقی به دلیل تعهدات الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل و راهبردی برای نقش‌آفرینی ایران به‌عنوان بازیگری مسئول در نظام بین‌الملل. تأخیر در این همکاری خسارات زیادی به همراه داشته و اکنون که الحاق به CFT در حال بررسی است باید با دیدی واقع‌بینانه و راهبردی به این موضوع نگرست تا از فرصت‌های آن بهره‌مند شویم و از تبعات منفی آن بکاهیم.

پیشنهاد ترانزیتی

محمدجواد ظریف از کشورهای ایران، روسیه و ترکیه خواسته با استقبال از توافق آذربایجان و ارمنستان با شرکت‌های آمریکایی همکاری کنند، چه موانعی پیش روی این پیشنهاد وجود دارد؟

فریده اسکندری

تحلیلگر اقتصاد

در میان پیچ‌وخم‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای که سال‌هاست با تنش‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای گره خورده، محمدجواد ظریف در مقاله‌ای در فارین پالیسی پیشنهادی جسورانه ارائه کرده است. فرصتی برای تبدیل قفقاز به کانون همکاری ترانزیتی و میثاقی منطقه‌ای که از خلیج فارس تا آسیای مرکزی را در بر گیرد. او با اشاره به توافق اخیر ارمنستان و آذربایجان، پنجره‌ای از فرصت می‌بیند که می‌تواند ایران، روسیه، ترکیه و حتی کشورهای عربی را در مسیری هم‌افزا به سوی رفاه مشترک هدایت کند. اما آیا این رویای دیپلماتیک در برابر واقعیت‌های سخت منطقه‌ای و جهانی تاب خواهد آورد؟

محمدجواد ظریف در مقاله‌ای که اخیراً در فارین پالیسی منتشر شده، پیشنهاد کرده که ایران، روسیه و ترکیه می‌توانند توافقی اخیر بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان را نه به‌عنوان تهدید بلکه فرصتی ببینند؛ فرصتی برای احیای پیشنهاد پیشین همکاری ترانزیتی در قفقاز بین ایران، روسیه و ترکیه به همراه ارمنستان، جمهوری آذربایجان و گرجستان.

به عقیده آقای ظریف، توافق جدید فرصت‌های سرمایه‌گذاری بی‌نظیری برای بخش خصوصی در ایالات متحده و سایر کشورها باز می‌کند.

وزیر پیشین امور خارجه با اشاره به اینکه اکنون یک پنجره فرصت حیاتی وجود دارد، نوشته: «ایران، همراه با بحرین، مصر، عراق، اردن، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات متحده عربی و یمن و با امکان گسترش به پاکستان، آسیای مرکزی و قفقاز باید از این فرصت استفاده کند. تحت نظارت ملل متحد می‌توانیم، میثاق جدیدی با گذار راهبردی از پراکندگی به هم‌افزایی ایجاد کنیم. کریدورهای مشترک انرژی، چارچوب‌های قوی عدم اشاعه و همکاری هسته‌ای، همکاری اقتصادی و وحدت فرهنگی می‌توانند به پیشران رفاه مشترک تبدیل شوند. پیشنهاد محمدجواد ظریف چقدر قابلیت اجرایی دارد؟

پیشنهاد محمدجواد ظریف در مقاله فارین پالیسی برای همکاری ترانزیتی در قفقاز و ایجاد یک میثاق منطقه‌ای با

تحلیل اقتصادی

کاهش فشار

چه کسانی در حال خروج از بازار سهام هستند؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

شاخص کل بورس تهران در روز شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴ در حالی که بازار زیر فشار فروش سنگین نفس می‌کشید با افت ۱۴,۶۷۱ واحدی به ۲ میلیون و ۴۵۲ هزار واحد رسید. معاملات با موجی از عرضه آغاز شد اما در نیمه دوم روز، برخی نمادها جان دوباره گرفتند و بازار بخشی از سقوط خود را جبران کرد. در این میان، خروج ۸۸۲ میلیارد تومان پول حقیقی و برتری فروشندگان، حکایت از نبردی نابرابر بین خریداران و فروشندگان داشت که در نهایت به تعادلی شکننده ختم شد.

شاخص کل بورس تهران در معاملات روز شنبه ۲۵ مرداد

تمرکز بر هم‌افزایی اقتصادی، انرژی و فرهنگی، ایده‌ای بلندپروازانه است که در تئوری می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای کمک کند. با این حال اجرایی شدن آن با چالش‌های متعددی مواجه است.

از منظر اقتصادی، پیشنهاد احیای همکاری ترانزیتی در قفقاز با مشارکت ایران، روسیه، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان به دلیل موقعیت استراتژیک این منطقه در چهارراه اوراسیا، پتانسیل بالایی برای توسعه کریدورهای حمل‌ونقل و انرژی دارد. توافق اخیر بین آذربایجان و ارمنستان می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک



کرده و زمینه را برای پروژه‌های مشترک فراهم کند. این امر می‌تواند، فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی از جمله در ایالات متحده ایجاد کند، به‌ویژه اگر زیرساخت‌های ترانزیتی مانند راه‌آهن، جاده‌ها و خطوط لوله انرژی توسعه یابند. کریدورهایی مانند کریدور شمال – جنوب یا مسیرهای ارتباطی قفقاز می‌توانند، هزینه‌های تجارت را کاهش داده و دسترسی به بازارهای جهانی را تسهیل کنند. برای مثال کریدور شمال – جنوب که ایران را به روسیه و اروپا متصل می‌کند، در صورت همکاری منطقه‌ای می‌تواند، حجم تجارت را به طور قابل‌توجهی افزایش دهد.

با این حال، موانع اجرایی قابل‌توجهی وجود دارد. نخست، اختلافات سیاسی و تاریخی بین کشورهای منطقه به‌ویژه بین ارمنستان و آذربایجان همچنین رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین ایران، روسیه و ترکیه، همکاری را دشوار می‌کند. تنش‌های ایران با غرب، به‌ویژه ایالات متحده و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های پیشنهادی را محدود می‌کند. به عنوان مثال، تحریم‌ها مانع دسترسی ایران

به منابع مالی بین‌المللی و فناوری‌های پیشرفته برای توسعه زیرساخت‌ها می‌شوند. همچنین تفاوت در منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه مانند رقابت ترکیه و ایران در قفقاز یا وابستگی برخی کشورهای عربی به ایالات متحده، اجماع منطقه‌ای را پیچیده می‌کند.

از سوی دیگر، پیشنهاد ظریف برای ایجاد یک میثاق منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل بسا تمرکز بر همکاری اقتصادی، انرژی و عدم اشاعه هسته‌ای، ایده‌ای جذاب اما چالش‌برانگیز است. سابقه همکاری‌های منطقه‌ای در غرب آسیا مانند سازمان اکو یا ابتکارات قبلی ظریف نشان‌دهنده موانع ناشی از بی‌اعتمادی متقابل و مداخلات خارجی است. برای مثال کشورهای عربی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی و امارات، به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای با ایران، ممکن است تمایلی به مشارکت در چنین طرحی نداشته باشند. علاوه بر این نظارت سازمان ملل مستلزم توافق قدرت‌های جهانی است که در شرایط کنونی با توجه به تنش‌های بین ایالات متحده، چین و روسیه، بعید به نظر می‌رسد.

دیپلماسی جهانی به‌عنوان یکی از ستون‌های پیشنهاد ظریف نیز با موانع جدی مواجه است. تجربه برجام و خروج ایالات متحده از آن در سال ۲۰۱۸ اعتماد ایران به دیپلماسی با غرب را تضعیف کرده است. اظهارات مقامات اروپایی مانند حمایت ضمنی از اقدامات نظامی اسرائیل علیه ایران به بی‌اعتمادی دامن زده است. این موضوع، همراه با فشارهای داخلی در ایران برای اتخاذ رویکردی سخت‌تر در برابر غرب، پذیرش دیپلماسی چندجانبه را دشوار می‌کند. در مجموع، پیشنهاد آقای ظریف از منظر تئوریک، ظرفیت بالایی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و جذب سرمایه‌گذاری دارد اما اجرایی شدن آن به عوامل متعددی وابسته است: کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی، رفع یا کاهش تحریم‌ها علیه ایران، ایجاد اعتماد متقابل بین کشورهای منطقه و حمایت قدرت‌های جهانی. در شرایط کنونی با توجه به پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی، احتمال اجرایی شدن کامل این پیشنهاد پایین است اما می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای مذاکرات محدودتر مانند همکاری‌های ترانزیتی در قفقاز مورد توجه قرار گیرد. موفقیت این طرح نیازمند گام‌های تدریجی، اعتمادسازی و تمرکز بر پروژه‌های اقتصادی ملموس با منافع مشترک است.

ارزش سفارش‌های خرید در دقیقه پایانی معاملات ۴۵۲ میلیارد تومان و سفارش‌های فروش ۳,۱۲۷ میلیارد تومان بود که بیانگر فشار فروش قابل‌توجه در بازار است. این اختلاف نشان‌دهنده تمایل فروشندگان به کاهش ریسک و نقد کردن سرمایه بود.

از مجموع سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی ۴۱۸ نماد مثبت و ۳۳۶ نماد منفی بودند. در ابتدای معاملات، تعداد نمادهای منفی حدود ۵ برابر نمادهای مثبت بود اما با کاهش فشار فروش در ادامه روز، تعداد نمادهای مثبت اندکی پیشی گرفت. تعداد صف‌های خرید ۵۸ و صف‌های فروش ۲۱۱ بود که نشان‌دهنده تسلط نسبی فروشندگان در بازار بود، هرچند تغییرات روزانه صف‌ها از کاهش روند نزولی حکایت داشت. بازار در ابتدای معاملات با فشار فروش سنگین مواجه بود اما در نیمه دوم، برخی نمادها روند مثبت پیدا کردند و شاخص کل بخشی از افت خود را جبران کرد. سرانه خرید و فروش حقیقی‌ها که ابتدا اختلاف زیادی داشت در پایان به هم نزدیک شد و به تعادل نسبی رسید، گرچه فروشندگان همچنان برتری داشتند.

این وضعیت نشان می‌دهد که با وجود فشار فروش اولیه، بازار در ادامه معاملات به تعادل نسبی دست یافت و شرایط بهتری پیدا کرد.

بالابرهای مرگ

دو کارگر با سقوط از بالابر در تهران کشته و زخمی شدند

گروه اجتماعی: دیروز سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، خبر سقوط یک دستگاه بالابر نما (کالایمر) در یک برج ۲۱ طبقه اداری-تجاری واقع در خیابان ولیعصر را اعلام کرد. دو کارگر حدود ۳۰ ساله روی نمای ساختمان مشغول تعمیرات بودند که ناگهان سیم بکسل یکی از طرفین دستگاه پاره شد و یک طرف بالابر به پایین سقوط کرد. یکی از کارگران به روی پشت‌بام طبقه چهارم پرتاب شد و به‌شدت مصدوم اما زنده ماند. کارگر دوم پس از گیر افتادن در بالابر با عملیات رابل از پشت‌بام نجات یافت ولی متأسفانه بر اثر شدت جراحات، جان خود را از دست داد. بالابر نما (کالایمر) سکوی معلقی است که کارگران برای نظافت یا تعمیر نمای ساختمان‌های بلند روی آن جابه‌جا می‌شوند. این دستگاه معمولاً شامل یک سکوی فلزی است که به کابل‌های فولادی به سقف بنا آویخته شده و با موتورهای الکتریکی بالا و پایین می‌رود. استفاده از چنین تجهیزاتی در ایران متداول است اما نیاز به رعایت دقیق مقررات ایمنی دارد. سیستم‌های استاندارد بین‌المللی نظیر EN ۱۸۰۸ و CE برای این دستگاه‌ها تعریف شده است و اصولاً باید علاوه بر ترمز اضطراری برقی، کاربران بالابر با کمربندهای مخصوص به‌سازه مهار شوند تا در صورت وقوع نقص فنی در دستگاه، سقوط نکنند. سخنگوی آتش‌نشانی اعلام کرد که کارشناسان بر ضرورت استفاده همزمان از تجهیزات اصلی بالابر و طناب‌ها و بندهای نجات مستقل تأکید می‌کنند تا کارگران در برابر سقوط احتمالی ایمن بمانند. با وجود این توصیه‌ها، آمار حوادث نشان می‌دهد، سقوط از ارتفاع همچنان خطرناک‌ترین عامل حوادث کار در کشور است. بر اساس گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی در سال ۱۴۰۲ مجموعاً ۲۱۱۵ نفر بر اثر حوادث محیط کار جان خود را از دست دادند. بررسی جزئی‌تر این داده‌ها نشان می‌دهد که ۴۶.۵ درصد از تلفات (۹۸۳ نفر) ناشی از سقوط از بلندی بوده است؛ رقمی

که به‌تهایی تقریباً نیمی از کل حوادث مرگبار کار را در بر می‌گیرد. در همین سال، استان تهران با ۴۱۴ کشته بیشترین سهم را در تلفات ناشی از حوادث کار داشته و پس از آن استان‌های صنعتی دیگر نیز در رده‌های بالا قرار گرفته‌اند. این آمارها در حالی منتشر شده که بنا به داده‌های رسمی در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ تلفات ناشی از حوادث کار افزایش ۳۰ درصدی داشته است. بخش ساخت‌وساز با سهم ۳۸ درصدی از کل حوادث همچنان پرحادثه‌ترین حوزه کاری محسوب می‌شود و بیش از نیمی از این حوادث به دلیل سقوط از ارتفاع رخ داده‌اند. اما روند نگران‌کننده در سال ۱۴۰۳ نیز ادامه یافته است. طبق آمار منتشرشده، تنها در ۶ ماهه نخست ۱۴۰۳، ۱۰۷۷ کارگر در محیط‌های کاری مختلف جان باخته‌اند؛ این یعنی به‌طور متوسط ۴۵ نفر در هفته یا حدود ۶ تا ۷ نفر در هر روز.

تهران در صدر تلفات

جزئیات این آمار نشان می‌دهد که بار دیگر سقوط از ارتفاع بیشترین سهم را در مرگ‌ومیر کارگران داشته است. تنها در ۶ ماهه نخست سال جاری، نزدیک به ۵۰۰ نفر جان خود را به دلیل سقوط از بلندی از دست داده‌اند؛ رقمی که به‌تهایی تقریباً نیمی از کل تلفات را شامل می‌شود. پس از آن، اصابت اجسام سخت دومین عامل مرگبار بوده و بیش از ۲۴۰ نفر را به کام مرگ کشانده است. برق‌گرفتگی نیز با ثبت ۱۵۵ فوتی جایگاه سوم را دارد. در کنار این عوامل، حوادثی چون سسوخستگی با ۶۵ مورد و کمبود اکسیژن با ۲۵ قربانی نیز نقش قابل‌توجهی در مرگ کارگران ایفا کرده است. علاوه بر این، نزدیک به ۸۰ نفر هم بر اثر غلغل متفرقه یا نامشخص جان باخته‌اند؛ موضوعی که خود نشان‌دهنده ضعف در شفافیت و ثبت دقیق داده‌هاست. از نظر توزیع جغرافیایی در

معیشت

گرانی کمرشکن

بعد از جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران همه اقلام به شدت گران شده است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

با شروع جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، سایه بحران بر اقتصاد ایران گسترده‌تر شد. یک ماه پس از پایان این درگیری‌ها در شرایطی قرار داریم که نه جنگ تمام‌عیار و نه صلح کامل برقرار است اما تأثیرات آن عمیقاً در معیشت مردم دیده می‌شود. قیمت بسیاری از کالاهای اساسی از جمله نان، لبنیات، گوشت، مرغ، برنج و روغن به‌شدت افزایش یافته است. آمار رسمی نشان می‌دهد در تیرماه ۱۴۰۴ قیمت نان و غلات ۱۶.۶ درصد، روغن‌ها ۷.۳ درصد، گوشت قرمز و مرغ ۵.۵ درصد و لبنیات و تخم‌مرغ ۵.۳ درصد نسبت به ماه قبل افزایش داشته است. تورم نقطه‌به‌نقطه خوراکی‌ها نیز حدود ۴۷.۴ درصد گزارش شده که فشار بی‌سابقه‌ای بر سفره خانوارها وارد کرده است. با این حساب، حتی براساس گزارش مرکز آمار، تورم ماهانه مرداد ۱۴۰۴ حدود ۲.۴ درصد و تورم سالانه همچنان نزدیک به ۳۵ درصد است. بررسی جزئیات تورم در تیرماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که افزایش قیمت‌ها در گروه خوراکی‌ها همچنان ادامه دارد. بهای نان و غلات نسبت به مدت مشابه سال قبل بیش از ۱۶ درصد رشد داشته و روغن‌ها و چربی‌ها نیز با افزایش بیش از ۷ درصدی مواجه شده‌اند. در همین دوره، قیمت گوشت قرمز و مرغ حدود ۵/۵ درصد و لبنیات و تخم‌مرغ نزدیک به ۵/۳ درصد بیشتر شده است. اما شاید چشمگیرترین تغییر به‌بازار برنج ایرانی مربوط باشد؛ محصولی که ظرف یک سال جهشی بیش از ۲۰۰ درصدی را تجربه کرده و از محدوده ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار تومان به حدود ۳۸۰ تا ۴۰۰ هزار تومان در هر کیلو رسیده است. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از کالاهای ضروری در ماه‌های اخیر جهش شدیدی را تجربه کرده‌اند. لبنیات یکی از بخش‌های پرتنش است: مصوبه اردیبهشت ۱۴۰۴ هر کیلوگرم شیر خام را ۲۳ هزار تومان تعیین کرده اما دامداران می‌گویند برای جبران هزینه‌ها باید به حدود ۲۴ هزار تومان برسند. از آنجا که بیش از ۷۰ درصد هزینه تولید محصولات لبنی متأثر از قیمت شیر خام است این افزایش پایه باعث شده بسیاری از کارخانجات کوچک حتی تعطیل شوند؛ بررسی‌ها حاکی است تا کنون حدود ۸۰۰ واحد لبنی زیر فشار هزینه‌ها تعطیل شده‌اند. علاوه بر این، سهم غیرمنصفانه شبکه توزیع و

است». به بیان دیگر به‌جای مدیریت بازار، سیاست حذف کنترل قیمتی، زمینه را برای رشد بی‌رویه کالاهای اساسی فراهم کرده است. از سوی دیگر، ضعف توزیع و احتکار از سوی دلالات، عامل دیگری است که در نبود نظارت گریبانگیر مردم شده است. برای مثال چندی پیش وزیر جهاد کشاورزی اعلام کرد، مشکلی در تأمین برنج نیست اما قیمت سرسام‌آور برنج در بازار خلاف اطمینان‌های آماری را نشان می‌دهد. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند، افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها به شکلی پیش رفته که کنترل بازار عملاً از دست دولت خارج شده است. افزون بر این، هزینه‌های تولید توسط واردات بی‌ضابطه یا سیاست‌های ناهماهنگ یارانه‌ای، جبران نشده و به دلالات عرصه بیشتری برای سودجویی داده است. به این ترتیب مسئولیت این گرانی‌ها را می‌توان بر گردن چند گروه انداخت: نخست

سیاست‌گذاران اقتصادی که در مدیریت صحیح بازار و حفظ قدرت خرید مردم ناتوان بوده‌اند؛ دوم تولیدکنندگان و کشت‌کارانی که بعضاً برای جبران هزینه‌های بالای تولید به افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها تمایل نشان داده‌اند و سوم توزیع‌کنندگان و واسطه‌ها که با دریافت سهم بالایی قیمت نهایی از نوسانات سود برده‌اند. هم‌زمان، هراس جنگ و تنش‌های منطقه‌ای نیز بار روانی بر تورم افزوده است و انتظار بازگشت تحریم‌ها، زمینه افزایش نرخ ارز و در نتیجه افزایش قیمت کالاهای وارداتی و نهاده‌های داخلی را فراهم کرده است. جامعه ایران در یک نقطه بحرانی قرار گرفته است؛ ثمره سیاست‌های اقتصادی ضعیف و شوک‌های بیرونی، کوچک‌تر شدن تدریجی سبد مصرفی خانوار و متوسل شدن مردم به راهکارهایی همچون خرید قسطی برای بقا بوده است. در این فضا، سفره ایرانیان روزبه‌روز خالی‌تر می‌شود و طبقات ضعیف و متوسط بیشترین آسیب را دیده‌اند. اگر هم‌اکنون تدبیری برای کنترل بازار و افزایش نظارت اتخاذ نشود، مسیر صعودی گرانی ادامه خواهد یافت و حتی ممکن است، بحران بدهی خانوار به یک معضل گسترده اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. هشدار روشن این است که قسطی شدن خرید مواد غذایی و کوچک شدن سبد مصرفی نه نشانه پیشرفت که نشان‌گر سقوط توان اقتصادی جامعه است؛ روندی که به گفته تحلیلگران، ثمره مدیریت ناکارآمد و نظارت ضعیف است. در چنین شرایطی، بدون اصلاح ساختار قیمت‌گذاری، تقویت نظارت و حمایت معیشتی از طبقات آسیب‌پذیر، راه خروج از این چرخه معیوب بسیار دشوار خواهد بود.



و پیمانکاران است و شهرداری تهران مدعی است که نقش محدودی در نظارت مستقیم بر تجهیزات ساختمان (مانند بالابر نما) دارد. طبق نظر اداره حقوقی شهرداری تهران، ماده ۵۵ قانون شهرداری تصریح می‌کند که شهرداری در امور اموال منقول یا پایدار اشخاص دخالت نمی‌کند و چنانچه کارگران به‌واسطه اهمال کارگران یا سازندگان دچار خسارت شوند، شهرداری عملاً موظف به جبران خسارت نیست. به‌عبارت دیگر، قانون شهرداری‌ها بیشتر تضمین‌کنندهف حفظ شهر در برابر خطرات عمومی (آتش‌سوزی، سیل و ...) است و دخالت در جزئیات ایمنی ساختمان‌های خصوصی به‌عهده نهادهای مهندسی ناظر و کارفرما گذاشته شده است.

برخی کارشناسان، این وضعیت را انتقادآمیز می‌دانند. از یک سو کارفرمایان و پیمانکاران را مسئول اصلی بی‌توجهی به اصول ایمنی می‌دانند و از سوی دیگر بر لزوم نظارت قوی‌تر شهرداری و نهادهای مهندسی تأکید می‌کنند. به گفته فعالان ایمنی کار، کارگران بالابر نما معمولاً آموزش‌های کافی در مورد استفاده از کمربند ایمنی و ترمز اضطراری ندیده‌اند و اجرای بازرسی‌های منظم توسط سازمان نظام مهندسی و شهرداری نامناسب است. گزارش‌ها نشان می‌دهد حتی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، بازرس‌های ساختمان در ایران مجبور به پوشش حجم زیادی پروژه هستند و در عمل نظارت بر کارگاه‌ها ممکن است به‌درستی انجام نشود.

جامعه

بی‌پناه!

در جنگ ۱۲ روزه
استرس در تهران ۲۰درصد رشد داشت

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تنها مراکز نظامی را هدف گرفت اما تبعات اجتماعی و اقتصادی آن در سطح جامعه باقی مانده است. در گفت‌وگو با علی حیدری، مشاور عالی سازمان تأمین اجتماعی و سیدحسن موسوی چلک، معاون سازمان بهزیستی، ابعاد این بحران بررسی شد.

حیدری می‌گوید: بعد از جنگ شاهد تعدیل نیروی کار و خروج سرمایه بودیم؛ پدیده‌ای که صرفاً محصول جنگ نبود بلکه ریشه در حصر اقتصادی و فقدان نظام فراگیر تأمین اجتماعی دارد. او تأکید می‌کند برخی بنگاه‌ها با سوء استفاده از شرایط به سمت اخراج کارکنان رفتند و حمایت‌های دولت هم مثل دوران کرونا وجود نداشت. به گفته او، اگرچه خروج اتباع غیرمجاز بخشی از فشار بازار کار را کاهش داد اما بیکاری در بخش‌هایی چون گردشگری تشدید شد. او هشدار داد «کاسب‌های جنگ» همان ادامه‌دهندگان کاسب تحریم‌اند. موسوی چلک نیز بر آسیب‌پذیری گروه‌های خاص مانند سالمندان، معلولان، بی‌خانمان‌ها و کودکان تأکید دارد. او می‌گوید در نبود بانک اطلاعاتی جامع، امکان شناسایی سریع افراد آسیب‌پذیر وجود ندارد. در جنگ، تماس‌های مشاوره‌ای درباره استرس و اضطراب در تهران ۲۰ درصد رشد داشت. او هشدار می‌دهد اگر بحران ادامه پیدا کند، گرایش به مصرف مواد مخدر، تنش خانوادگی و افکار خودکشی افزایش خواهد یافت. هر دو کارشناس در گفت‌وگو با خبرآنلاین بر ضعف جدی پدافند غیرعامل تأکید کردند. موسوی گفت: «۴۰ سال منتظر این جنگ بودیم اما حتی پناهگاهی برای مردم نداشتیم.» او و حیدری معتقدند در ایران نگاه پدافند غیرعامل بیش از حد نظامی است درحالی که باید بر محور اجتماعی و مردم‌پایه باشد. همچنین مراکز حساس نباید کنار اماکن مسکونی یا مراکز اجتماعی قرار بگیرند.

به باور کارشناسان، سرمایه اجتماعی در روزهای جنگ به‌طور موقت تقویت شد اما شکننده است و بدون اصلاح سیاست‌گذاری‌ها، شفافیت و توجه به حقوق شهروندی پایدار نخواهد ماند. در غیر اینصورت میل به مهاجرت داخلی و خارجی شدت می‌گیرد. آنان نتیجه گرفتند که درس بزرگ جنگ اخیر، ضرورت بازنگری در نظام حمایتی و حرکت به‌سوی پدافند اجتماعی مردمی است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرغشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۸۱

ادامه یک‌شنبه ۲۸ بهمن

احتمال افزایش فشار غرب بر موكابه

عصر برای برنامه جشنواره [انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس] کتاب‌های مربوط به دفاع مقدس به دانشگاه [الهیات و] معارف اسلامی [دانشگاه تهران] رفتیم. جوایز چند نویسنده از ۷۸۰ کتابی که در مسابقه شرکت داده شده بود را دادیم. آقای [علیرضا] افشار، [رئیس بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس] گزارش داد. صحبت مفصلی در مورد علل شروع، تداوم و ختم جنگ و اهمیت کار توضیحی و حفظ افتخارات آن نمود. به چند سوال خبرنگاران جواب دادیم. به دفتر برگشتیم و مطابق معمول تا ساعت هشت‌ونیم شب کار کردیم.

حمله مسلحانه دیروز یک گروه افغانی به مقر نظامیان انگلیسی موجود در افغانستان، وحشی برای آنها ایجاد کرده و کار پذیرش مسئولیت فرماندهی توسط کشورهای دیگر را مشکل‌تر کرده است. در فلسطین، تجاوز اسرائیل و انتقام‌های شهادت‌طلبانه فلسطینی‌ها ادامه دارد. روزنامه حیات‌نو، امروز به دروغ نوشته بود که ایمن الظواهری، معاون [أسامه] بن‌لادن، [رهبر القاعده] در ایران، در زندان است که می‌تواند مشکل‌ساز باشد؛ وزارت امورخارجه سریعاً آن را تکذیب کرد.

دولت زیمبابوه، فرستاده ویژه اتحادیه اروپا را که برای نظارت بر انتخابات اعزام شده بود، اخراج کرد. انتظار می‌رود، فشار غرب بر رابرت موگابه، [رئیس‌جمهور زیمبابوه] زیادت‌ر شود. سران جمعیت‌های اسلامی آمریکا به اظهارات شرافت، دادستان آمریکا- به عنوان اهانت به اسلام- اعتراض کرده‌اند. او گفته است، تفاوت اسلام و مسیحیت این است که خدای اسلام از بشر می‌خواهد که فرزندان خود را برای او به کشتن بدهند و خدای مسیحیت، فرزند خود را برای نجات بشر به کشتن می‌دهد؛ این تعبیری بوده که قبلاً مسیحی‌ها علیه یهودی‌ها می‌گفتند، چون یهودی‌ها خودشان را از نسل فرزند قربانی شده ابراهیم(ع) می‌دانسته‌اند. او بعد از آن اعتراض، حرفش را پس گرفت. بعد از [حملات] ۱۱ سپتامبر تاکنون در آمریکا چند هزار مورد حمله به مسلمان‌ها شده که ضایعاتی هم داشته است.

دوشنبه ۲۹ بهمن

سفر سران آمریکا به کشورهای آسیایی

همزمان، سران آمریکا به چندین کشور آسیایی و خاورمیانه برای دفاع از سیاست‌های جنگی و زورگویی و تکیروی آمریکا، سفر کرده‌اند؛ [جورج] بوش، همراه [کالین] پاول و [کاندولیزا] رایس به چین، ژاپن و کره‌جنوبی و دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور و [جورج] تنت، رئیس سیا [= سازمان اطلاعات و امنیت مرکزی آمریکا] به خاورمیانه. در کره‌جنوبی و ژاپن تظاهرات وسیعی علیه بوش به ریاست انجمن‌های مردمی انجام شد. در ژاپن به بوش در مورد توسعه سلاح‌های هسته‌ای و سیاست ضد محیط زیست و لشکرکشی‌ها هشدار داده‌اند. فرانسه امروز بعد از ۵۴۰ سال «فرانک» پول ملی خود را کنار گذاشت و «یورو» را رسمی کرد.

آگهی ابلاغ

مدیریت محترم شرکت روزی اندیشان غرب، مدیریت محترم شرکت خدماتی ره فراز جابویه، مدیریت محترم شرکت باستان ساز پردیس به استحضار می‌رساند مشاغل درخواستی خاتم مریم سوزنی زاده در کمیته بدوی مورخ ۱۹/ ۰۳/ ۱۴۰۴ مشاغل سخت و زیان آور مطرح و مورد تأیید قرار گرفته است.

«مقتضی است به استناد مواد ۳ و ۶ آیین نامه اجرایی مشاغل سخت و زیان آور طی مدت ۲ سال نسبت به ایمن سازی و بهسازی محیط کار اقدام فرمائید.

«رای کمیته بدوی حداکثر ظرف ۱۵ روزاری پس از ابلاغ در قالب فرم شماره (۴) قابل تجدیدنظر خواهی در کمیته تجدید نظر این استان می باشد و درغیراین صورت رای صادره برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج کشور، شش ماه از تاریخ ابلاغ رای بمطابق قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب درامور مدنی، در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است.» ۲۸۵۵

هوشیار جوهری- رئیس کمیته بدوی مشاغل سخت و زیان آستان کرمانشاه

دشمن غرب

احمد فردید چگونه ضدیت با غرب را نهادینه کرد؟

احمد صدر

تحلیگر تاریخ

۲۵ مرداد روز تولد سیداحمد فردید است، کسی که به جنگ غرب رفت و مفهوم «غرب‌زدگی» را در جان و ذهن ایرانیان کاشت. او که در فرانسه درس خوانده بود، غرب را نه تنها یک تمدن که تجلی غرور و شسزّی اهریمنی می‌دید. فردید با نگاهی که از فلسفه آگزیستانسیال و عرفان شرقی آب می‌خورد، فریاد زد که عقل و دل غربی، فرش شیطان شده‌اند. این فیلسوف شفاهی، که خود را سرسلسله مبارزه با نفوذ غرب می‌دانست، بذری در خاک ایران پاشید که دهه‌ها بعد، از روشنفکران چپ‌گرا تا انقلابیون اسلامی، همگی در سایه آن علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری به پا خاستند. داستان غرب‌ستیزی ایران، شاید با نام فردید آغاز شده باشد اما ریشه‌هایش در تاریخ یک قرن گذشته از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب ۵۷ چنان درهم‌تپیده است که هنوز هم سایه‌اش بر سیاست و فرهنگ این سرزمین سنگینی می‌کند. غرب‌ستیزی در ایران، به‌ویژه از

دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ به‌عنوان یکی از جریان‌های فکری و سیاسی برجسته، ریشه در تاریخ معاصر کشور و تحولات جهانی داشته و تأثیرات عمیقی بر مسیر توسعه سیاسی و اقتصادی ایران گذاشته است. این جریان، که ابتدا با تأثیرپذیری از اندیشه‌های چپ و مارکسیستی شکل گرفت، به‌تدریج به یک دکترین رسمی در ساختار سیاسی پس از انقلاب اسلامی تبدیل شد و همچنان اثرات آن در سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهای کلان کشور مشهود است. برای فهم دقیق‌تر این پدیده، لازم است به ریشه‌های تاریخی، عوامل فکری و سیاسی همچنین پیامدهای آن بر جامعه ایران پرداخته شود. غرب‌ستیزی در ایران به‌معنای مخالفت با فرهنگ، سیاست و اقتصاد غربی

از دهه ۱۳۲۰ با نفوذ اندیشه‌های چپ‌گرایانه، به‌ویژه تحت تأثیر مارکسیسم و فعالیت‌های حزب توده، قوت گرفت. در این دوره، روشنفکران ایرانی که عمدتاً تحت تأثیر دو تفکر کلیدی یعنی «مکتب وابستگی» و «ضدیت با غرب» قرار داشتند، نقش مهمی در نهادینه کردن این نگاه ایفا کردند. مکتب وابستگی، که ریشه در نظریه‌های مارکسیستی و نومارکسیستی داشت، جهان را به دو بخش «سروکبر» و «تحت ستم» تقسیم می‌کرد و بر این باور بود که عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم، نتیجه استثمار آنها توسط نظام سرمایه‌داری جهانی است. این دیدگاه که از نظریه لنین در کتاب «امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری» الهام گرفته بود، در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ در جهان رواج یافت و در ایران نیز از طریق روشنفکران و احزاب چپ، به‌ویژه حزب توده، گسترش یافت. حزب توده که مرام مارکسیستی داشت با تبلیغات گسترده علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم، به‌ویژه پس از وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت محمد مصدق، به بدبینی عمومی نسبت به غرب، به‌خصوص آمریکا و بریتانیا، دامن زد. این بدبینی، که در ابتدا بیشتر متوجه سیاست‌های استعماری بریتانیا بود، به‌تدریج با ظهور آمریکا به‌عنوان ابرقدرت جهانی و حمایت این کشور از رژیم پهلوی، به یک جریان ضدآمریکایی و ضدغربی گسترده‌تر تبدیل شد.

یکی از شخصیت‌های کلیدی در شکل‌گیری غرب‌ستیزی به‌معنای خاص کلمه، سیداحمد فردید بود که خود را مبدع مفهوم «غرب‌زدگی» می‌دانست. فردید، که در فرانسه تحصیل کرده و تحت تأثیر فیلسوفان

آگزیستانسیالیست مانند مارتین هایدگر قرار داشت، غرب را نماد غرور، استیلا و شیطان آخرالزمان توصیف می‌کرد. او معتقد بود که عقل و دل در فرهنگ غربی به خدمت شیطان درآمده و تاریخ غرب را تاریخ شر و ظلم می‌دانست. این نگاه، که ریشه در نوعی نقد فلسفی و فرهنگی به مدرنیته غربی داشت در آثار روشنفکران دیگر مانند جلال آل‌احمد و علی شریعتی نیز بازتاب یافت. جلال آل‌احمد در کتاب «غرب‌زدگی» که به‌نوعی مانیفست روشنفکران ضدغرب شد، غرب را به‌عنوان عامل اصلی عقب‌ماندگی ایران معرفی کرد و از وابستگی اقتصادی و فرهنگی به غرب انتقاد کرد. او بدون اشاره صریح به نظریه وابستگی، به‌طور ضمنی از این مفهوم تأثیر پذیرفته بود. شریعتی نیز با طرح ایده «بازگشت به خویشتن» بر اصالت فرهنگ ایرانی و اسلامی تأکید کرد و مشکلات جامعه را به نفوذ بیگانگان نسبت داد. این نگاه، که شباهت‌هایی با آرای روشنفکران فرانسوی مانند فرانتس فانون داشت به گفتمان غالب در آستانه انقلاب اسلامی تبدیل شد.

ورود علم اقتصاد به ایران نیز تحت تأثیر همین جریان‌های چپ‌گرایانه بود. عبدالحسین نوشین، به سفارش حزب توده، در سال ۱۳۳۱ دو جزوه



با عنوان‌های «مزد، بها، سود» و «اصول علم اقتصاد» را با الهام از آثار کارل مارکس ترجمه و تلخیص کرد. این جزوه‌ها، هرچند پر پژوهش‌های مربوط به تاریخ اقتصاد ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، نقش مهمی در مارکسیستی کردن پایه‌های علم اقتصاد در ایران داشتند. پس از آن، گروه‌های چپ‌گرا مانند مجاهدین خلق تا زمان انقلاب ۱۳۵۷ به ترویج اقتصاد مارکسیستی ادامه دادند. این جریان‌ها با تأکید بر مفاهیمی مانند خودکفایی اقتصادی، ملی‌سازی صنایع و قطع وابستگی به نظام سرمایه‌داری جهانی، به نهادینه شدن فرهنگ غرب‌ستیزی کمک کردند. این نگاه، که توسعه را در گرو قطع ارتباط با غرب و خودکفایی می‌دید، به مانعی جدی در برابر توسعه اقتصادی و سیاسی ایران تبدیل شد.

در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ اگرچه ضدیت با سرمایه‌داری در میان روشنفکران رواج داشت اما این ضدیت لزوماً به‌معنای غرب‌ستیزی نبود زیرا مارکسیسم خود یک پدیده غربی بود. بسا این حال با وقایعی مانند کودتای ۲۸ مرداد و حمایت غرب از رژیم پهلوی، غرب‌ستیزی به‌معنای خاص کلمه در دهه ۱۳۴۰ شکل گرفت. در این دوره، آمریکا به‌عنوان نماد امپریالیسم جهانی مورد انتقاد قرار گرفت و کتاب «غرب‌زدگی» جلال آل‌احمد به متنی کلیدی برای روشنفکران تبدیل شد. شریعتی نیز با تأکید بر بازگشت به هویت ایرانی و اسلامی به این جریان دامن زد. این ایده‌ها، که ریشه در نقد سرمایه‌داری و امپریالیسم داشتند، در آستانه انقلاب اسلامی به گفتمانی غالب تبدیل شدند و بر سیاست‌گذاری‌های پس از انقلاب تأثیر گذاشتند. انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نقطه عطفی در نهادینه

شدن غرب‌ستیزی به‌عنوان یک دکترین رسمی بود. شعار «نه شرقی، نه غربی» که به‌منظور حفظ فاصله با هر دو بلوک شرق و غرب مطرح شد، در عمل به «نه غربی» تقلیل یافت. اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ نمونه بارزی از این رویکرد بود که پیامدهای منفی گسترده‌ای در روابط بین‌المللی ایران به دنبال داشت. انقلابیون، اعم از اسلام‌گرایان، ناسیونالیست‌ها و چپ‌گرایان، بر این باور بودند که استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی پایدار نخواهد بود. استقلال اقتصادی در این نگاه به معنای قطع وابستگی به نظام سرمایه‌داری جهانی، ملی‌سازی صنایع، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و خودکفایی بود. این سیاست‌ها، که ریشه در نظریه‌های وابستگی داشتند، به جای توسعه، به انزوای اقتصادی و سیاسی ایران منجر شدند.

نظریه وابستگی، که در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ در جهان رواج داشت، دو جریان اصلی داشت: یکی مارکسیستی، که عقب‌ماندگی را نتیجه تضاد طبقاتی در نظام سرمایه‌داری جهانی می‌دانست و دیگری غیرمارکسیستی، که به مکتب اکلا (ECLA) معروف بود و نقدی ساختارگرایانه به سرمایه‌داری ارائه می‌داد. مارکسیست‌هایی مانند پل باران، آندره گوتنبر فرانک و سمیر امین معتقد بودند که استثمار کشورهای جهان سوم نتیجه گسترش سرمایه‌داری جهانی است. در مقابل، مکتب اکلا، که توسط افرادی مانند رابول پریش و سلسو فورتادو شکل گرفت، بدون تکیه بر ماتریالیسم تاریخی، نظام سرمایه‌داری را مسئول عقب‌ماندگی می‌دانست. این دو جریان، هرچند از منظر هستی‌شناختی متفاوت بودند، در نقد غرب و تأکید بر خودکفایی اشتراک داشتند و بر روشنفکران ایرانی تأثیر گذاشتند.

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، جنبش‌های ضداستعماری در آفریقا و آسیا، از غنا تا مصر تحت تأثیر مفاهیمی مانند خودکفایی، ملی‌سازی و رایگان‌سازی خدمات عمومی بودند. این مفاهیم، که در تقابل با سرمایه‌داری قرار داشتند، در ایران نیز رواج یافتند و به سیاست‌های اقتصادی پس از انقلاب شکل دادند. با این حال، تجربه کشورهایی مانند کره جنوبی و تایوان، که در همان دوره با پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی و ادغام در اقتصاد جهانی به توسعه دست یافتند، نشان داد که خودکفایی و قطع ارتباط با غرب لزوماً به توسعه منجر نمی‌شود. در ایران، تأکید بیش از حد بر خودکفایی و سیاست‌های ضدغربی، به‌ویژه در دهه‌های پس از انقلاب، به تحریک‌های اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و انزوای بین‌المللی منجر شد.

غرب‌ستیزی، که در ابتدا به‌عنوان واکنشی به سلطه‌گری غرب و حمایت از رژیم پهلوی شکل گرفت، به‌تدریج به یک ایدئولوژی رسمی تبدیل شد که هرگونه نزدیکی به غرب یا مظاهر آن را نفی می‌کرد. این نگاه، که در ساختار سیاسی کشور نهادینه شد، به حذف افراد و سیاست‌هایی منجر شد که به غرب‌زدگی متهم می‌شدند. پیامدهای این رویکرد نه تنها در حوزه سیاست خارجی بلکه در اقتصاد و فرهنگ نیز مشهود است. سیاست‌های خودکفایی، که ریشه در نظریه وابستگی داشتند به جای توسعه، به ناکارآمدی اقتصادی و کاهش رقابت‌پذیری منجر شدند. همچنین تأکید بر استقلال اقتصادی بدون توجه به واقعیت‌های اقتصاد جهانی، ایران را از فرصت‌های توسعه محروم کرد.

در نهایت، غرب‌ستیزی در ایران نتیجه ترکیبی از عوامل تاریخی، فکری و سیاسی بود. نفوذ اندیشه‌های چپ، تأثیر روشنفکرانی مانند فردید، آل‌احمد و شریعتی و وقایعی مانند کودتای ۲۸ مرداد، همگی به شکل‌گیری این جریان کمک کردند. با این حال این رویکرد که زمانی در میان بخش وسیعی از جامعه رواج داشت به‌تدریج به یک دکترین سیاسی محدود شد که بیشتر در ساختار قدرت بازتاب یافت. پیامدهای این نگاه از انزوای بین‌المللی تا ناکارآمدی اقتصادی همچنان در ایران امروز قابل مشاهده است. برای حرکت به‌سوی توسعه، بازنگری بر این رویکرد و اتخاذ سیاستی متعادل‌تر در تعامل با جهان ضروری به نظر می‌رسد.

شناسه آگهی ۱۹۸۲۰۹۵ نوبت دوم

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره SKS-0431465



شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق

انجام خواهد شد. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فرآیند از طریق سایت سامانه محقق سازند. شماره فراخوان ارزیابی کیفی در سامانه ستاد ایران ۶۰۰۰۹۲۲۵۸۰۰۰۰۶۲ می‌باشد.

۶- گشایش پاکت‌های مناقصه پس از انجام مراحل ارزیابی کیفی، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با اطلاع رسانی قبلی انجام خواهد شد.

۷- این قرارداد مشمول تعدیل می باشد. تعدیل قرارداد بر اساس ماده ۶ مطابق دستورالعمل نحوه تعدیل پیمان های صنعت نفت به شماره سند ۱۴۰۱/۵۵۶۸۰۶ مورخه ۱۴۰۱/۱/۱۱ (پیوست در خصوص تعدیل نرخ قرارداد حاضر، فروشنده مکلف است نسبت به ارائه مستندات خود مبنی بر تعلق تعدیل در اسناد) محاسبه و پرداخت خواهد شد. بر اساس شاخص متناظر برای تمامی ردیف های جدول برآورد کالا و مطابق با فصل بیست و چهارم رشته تاسیسات آب و فاضلاب (مواد شیمیایی) مشابهت سازی شده و مطابق آن تعدیل خواهد شد.

۸- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن‌های ۳۳۳ و ۲۷۹۲۳۲۲۸-۰۵۱ تماس حاصل نمایند. ضمناً آگهی فوق در سایت WWW.SHANA.IR و WWW.ICOF.CIR و WWW.EOGPC.IR درج می‌باشد.

۱- موضوع: فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره SKS-۰۴۳۱۴۶۵ راجع به خرید ((CORROSION INHIBITOR (OIL SOLUBLE)) ساخت داخل کشور.

۲- محل و مدت انجام کار: استان خراسان رضوی، سرخس، منطقه عملیاتی خانگیران به مدت ۱۲ ماه.

۳- نام و نشانی مناقصه گراز: شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق- مشهد، بلوار خیام، بلوارار شاد، خیابان مهندس نبیخ مهندس ۶، پلاک ۱۸.

۴- شرایط مناقصه گر:

۴-۱- دارا بودن شخصیت حقوقی، کد اقتصادی و شناسه ملی .

۴-۲- داشتن توانایی مالی، تجربه، تخصص و سوابق کافی در زمینه موضوع قرارداد.

۴-۳- دارا بودن تأییدیه عضویت در فهرست سازندگان تأمین کنندگان کالای وزارت نفت.

۴-۴- توانایی تهیه ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۲۲/۴۰۰ ریال

و در صورت برنده شدن ارائه تضمین معتبر بانکی انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی.

۴-۵- درضمن ۲۵ درصد بار مالی معامله به برنده مناقصه بعنوان پیش پرداخت در قبال اخذ ضمانتنامه معتبر بانکی مورد قبول مناقصه گزار پرداخت خواهد گردید.

۵- کلیه مراحل از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق